



بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۱)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۴۴۴
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۹/۱۸

عنوان گزارش:

بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در
کشورهای منتخب (۱)

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین کنندگان:

وحید مهربانی، مرتضی فتحی شهری، عطیه درویشوند،
رضا قنبری، فاطمه رستمی

مدیر مطالعه:

حسین نصیری

ناظر علمی:

موسی بیات، محمدسعید آقامحمدحسین تجریش

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسی‌راد

طراح گرافیک:

سیده فاطمه ابوطالبی

واژه‌های کلیدی:

۱. اصل سی‌ام
۲. تأمین مالی
۳. آموزش عالی
۴. شهریه
۵. یارانه



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. روش انجام پژوهش.....	۹
۳. ایالات متحده آمریکا.....	۱۰
۴. آلمان.....	۱۶
۵. فنلاند.....	۲۰
۶. ژاپن.....	۲۳
۷. جمع بندی.....	۲۷
منابع و مآخذ.....	۳۱

فهرست جداول

جدول ۱. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده با توجه به منبع تأمین مالی.....	۱۳
جدول ۲. دولت‌های حاکم در آلمان و اصلاحات اساسی در آموزش عالی.....	۱۷
جدول ۳. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی آلمان با توجه به منبع تأمین مالی.....	۱۹
جدول ۴. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی فنلاند با توجه به منبع تأمین مالی.....	۲۱
جدول ۵. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی ژاپن با توجه به منبع تأمین مالی ..	۲۶
جدول ۶. نوع رژیم تأمین مالی و نرخ ثبت‌نام در آموزش عالی در زیر نمونه کشورهای توسعه یافته	۲۸
جدول ۷. وام‌های دولتی یا خصوصی تضمین شده توسط دولت برای دانشجویان (۲۰۱۹-۲۰۲۰).....	۳۰

فهرست شکا، و نمودارها

شکل ۱. منابع مالی عمده دانشگاه‌ها.....	۹
نمودار ۱. بخش‌های دریافت‌کننده کمک‌های مالی بنیاد ملی علم در سال مالی ۲۰۲۲.....	۱۲
نمودار ۲. سهم مخارج آموزشی دولت ایالات متحده از کل مخارج دولت (درصد).....	۱۴
نمودار ۳. نحوه توزیع کمک هزینه تحصیلی بین دانشجویان در ایالات متحده.....	۱۵
نمودار ۴. تخصیص بودجه دولت آلمان به آموزش عالی به صورت درصد از کل منابع، براساس سطح دولت.....	۱۹
نمودار ۵. سهم مخارج آموزش عالی دولت آلمان از کل مخارج دولت (درصد).....	۲۰
نمودار ۶. سهم مخارج آموزش عالی دولت فنلاند از کل مخارج دولت (درصد).....	۲۲
نمودار ۷. درآمدزایی دانشگاه‌های ملی ژاپن (درصد)، ۲۰۱۳.....	۲۳
نمودار ۸. تغییرات درآمد سالیانه دانشگاه‌های ملی ژاپن (درصد).....	۲۴
نمودار ۹. منابع مالی دانشگاه‌های خصوصی ژاپن.....	۲۵
نمودار ۱۰. سهم مخارج آموزش عالی دولت ژاپن از کل مخارج دولت (درصد).....	۲۷
نمودار ۱۱. مقایسه میانگین سهم آموزش عالی از کل مخارج دولت در دوره ۲۰۱۲-۱۹.....	۲۸
نمودار ۱۲. مقایسه میانگین سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی در دوره ۲۰۰۲-۱۹.....	۲۹

بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۱)

چکیده



در مطالعه حاضر نمونه‌ای متشکل از چهار کشور توسعه یافته (ایالات متحده، آلمان، فنلاند و ژاپن) انتخاب شده و تجارب آنها در ارتباط با ساختار مالی آموزش عالی، سیاست‌های دولت و روندهای موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نمونه بازتاب‌دهنده چهار رژیم شهری-یارانه کاملاً متمایز است و بدین ترتیب رهیافت‌های جامعی را به دست می‌دهد. یافته‌ها حاکی از این است که هنوز هم دولت‌ها در کشورهای صنعتی به حمایت مالی مستقیم از آموزش عالی ادامه می‌دهند و در برخی کشورها سهم دولت بسیار بالاست (آلمان و فنلاند)، هر چند در کشورهایی که نقش دولت ضعیف‌تر است، میزان مشارکت دولت در تأمین مالی دست کم به میزان یک سوم کل مخارج مؤسسات آموزش عالی است (ایالات متحده و ژاپن). با وجود این، روندها نشان می‌دهد که در طول زمان در همه کشورها سهم دولت رو به کاهش بوده و گام‌هایی برای تشویق بخش خصوصی به مشارکت در این امر برداشته شده و بعضاً بار مالی بیشتری به خانوارها انتقال یافته است. روند دیگر مشاهده شده این است که دولت‌ها در طرف تقاضای آموزش عالی، حمایت‌های خود را از یارانه در قالب کمک بلاعوض به دانشجویان به سمت اعطای وام تغییر جهت داده‌اند که این اقدام ضمن تأمین نیاز دانشجویان برای تحصیل، با بازگشت منابع مالی به دولت همراه است. همچنین در طرف عرضه، دولت‌ها سعی می‌کنند فضایی رقابتی بین دانشگاه‌ها برای جذب منابع ایجاد و انگیزه‌های دانشگاه‌ها برای درآمدزایی را تقویت کنند.

« خلاصه مدیریتی

■ بیان / شرح مسئله

اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عملاً موضوع تأمین مالی آموزش عالی را در کانون توجهات قرار می‌دهد. همچنین، تأمین مالی آموزش عالی به دغدغه‌ای جدی برای دولت‌ها در سال‌های اخیر در سراسر دنیا تبدیل شده است. گسترش آموزش عالی و افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه از یکسو و صعوبت تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی توسط دولت از سوی دیگر، جستجو برای یافتن روش‌های جایگزین و اثربخش برای منابع مالی مورد نیاز آموزش عالی را موجب شده است. بر همین اساس، بررسی تجارب کشورهای توسعه یافته در شیوه تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی و حمایت از دانشجویان بیانگر تحولات قابل توجهی است که آشنایی با آنها حاوی نکات آموزنده‌ای خواهد بود. از این رو، نمونه مورد بررسی در مطالعه پیش رو، چهار کشور با نظام‌های مالی کاملاً متفاوت را شامل می‌شود که عبارتند از: آمریکا، آلمان، فنلاند و ژاپن. تمایز در سطح شهریه و یارانه‌های پرداختی دولت معیار تفکیک این چهار نظام تأمین مالی است.

■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

با اینکه این کشورها در ابتدای دوره پس از جنگ جهانی دوم مشخصات تقریباً مشابهی از لحاظ سازوکار تأمین مالی داشتند (رژیم شهریه پایین - یارانه اندک)^۱، در ادامه با رفت و آمد احزاب سیاسی و تسلط آنها بر قوای مجریه و مقننه، سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفتند.

● ایالات متحده (رژیم شهریه بالا- یارانه زیاد) به صریح‌ترین شکل نظام آموزش عالی را بر مبنای سازوکار بازار بنا نهاده، به طوری که بار اصلی هزینه‌ها بر عهده خانوارها گذاشته شده، اما در عین حال حمایت مالی گسترده و متنوعی را تعریف کرده است. با توجه به نظام فدرالی آمریکا، دولت مرکزی این کشور بیشتر کمک‌های خود را بر اساس نیاز دانشجویان انجام می‌دهد، اما دولت‌های ایالتی به منظور ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها و حفظ دانشجویان مستعد در داخل ایالت به ارائه کمک‌های مالی به دانشجویان بر مبنای شایستگی روی آورده‌اند. با وجود این، روند حمایت مالی دولت در ایالات متحده به جای کمک‌های بلاعوض مستقیم بیشتر به سمت وام و نیز ایجاد فضای رقابتی در جذب منابع مالی پژوهشی تغییر کرده است.

● در ژاپن (رژیم شهریه بالا- یارانه اندک) نیز شهریه منبع مالی

عمده‌ای برای دانشگاه‌هاست، اما کمک‌های دولت همچنان وجود دارد، هر چند سیاست‌های دولت در راستای درآمدزایی بیشتر دانشگاه‌ها و افزایش استقلال مالی آنها، سیر نزولی کمک‌های دولت را موجب شده است. یکی از اقدامات مهم دولت ژاپن، بازتعریف دانشگاه‌های ملی به صورت شرکت‌های دانشگاهی است. این سیاست روح تجاری را به دانشگاه‌های ملی ژاپن دمید و آنها را از وابستگی محض به بودجه دولت دور کرد.

● برخلاف آمریکا و ژاپن که دولت کمتر از نصف مخارج مؤسسات آموزش عالی را تأمین می‌کند و نقش بخش خصوصی به ویژه خانوارها بسیار پررنگ است، در آلمان (رژیم شهریه پایین- یارانه اندک) و فنلاند (رژیم شهریه پایین- یارانه زیاد) دولت سهم بسیار بزرگی از مخارج را بر عهده دارد و خانوارها دغدغه‌ای در این زمینه ندارند. در دو کشور اخیر ذکر، دولت سهم بزرگی از مخارج آموزش عالی را تأمین می‌کند، با این تفاوت که در آلمان تمرکز بیشتر روی ارائه کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان است، اما در فنلاند، دولت منابع مورد نیاز دانشگاه‌ها را تقریباً به طور کامل تأمین می‌کند.

● یکی از سیاست‌های دولت آلمان اجرای طرح بافوگ بود که یک طرح حمایت مالی مبتنی بر نیاز با آستانه درآمدی بالا از دانشجویان بود. دولت بر اساس این طرح یارانه‌های قابل توجهی را به دانشجویان اعطا می‌کرد، هر چند در گذر زمان از درجه سخاوتمندی این طرح کاسته شد و ویژگی یارانه اندک را برای نظام مالی آموزش عالی آلمان ایجاد کرد. در فنلاند، شاهد یک نظام تأمین مالی ساده‌ای هستیم، به طوری که دانشگاه‌ها به طور مستقیم از دولت بودجه قابل توجهی را دریافت می‌کنند و بنابراین، نه نیازی به درآمدزایی دارند و نه به شهریه وابستگی دارند.

● وجه تمایز دیگری که وجود دارد این است که در ایالات متحده و ژاپن، تقریباً کل منابع مالی مؤسسات آموزش عالی در داخل کشور تأمین می‌شود و جریان بین‌المللی منابع تقریباً صفر است، اما دولت‌های آلمان و فنلاند به دلیل اینکه بخش اعظم بار مالی آموزش عالی را به دوش می‌کشند زمینه را برای ورود منابع بین‌المللی مهیا کرده‌اند تا از این طریق تأمین نیازهای مؤسسات با مشکل مواجه نشود. با این همه، دو روند مشترک در هر چهار کشور نمونه این است که در همه آنها گرایش به استفاده از وام دانشجویی و سیر نزولی سهم دولت از مخارج آموزش عالی مشاهده می‌شود. گرایش به وام به جای پرداخت یارانه مستقیم به این دلیل است که

1. Low-Tuition-Low-Subsidy.

- دولت در حمایت از نظام آموزش عالی می‌تواند بر مبنای الگوی شهریه پایین - پارانه اندک اقدامات سیاستی در راستای اصلاح ساختار نظام تأمین مالی را شروع کرده و در نهایت در یک افق بلندمدت تعدیل‌های لازم را انجام دهد.

- در کنار اعطای استقلال درآمدی به دانشگاه‌ها، دولت مقررات‌گذاری مرتبط با منابع مختلف درآمدی را بر عهده داشته باشد.

- ایجاد فضای رقابتی بین مؤسسات آموزش عالی در جذب منابع مالی پژوهشی، گرایش به مجاری غیر مستقیم تأمین مالی با واسطه دولت و حمایت مالی مستقیم دولت از متقاضیان (دانشجویان) از راهکارهای سیاستی این گزارش است.

دولت‌ها دریافته‌اند گزینه وام در عین حال که نیاز دانشجویان را برای تحصیل پرهزینه بر طرف می‌سازد، با اتلاف منابع عمومی برای تأمین اهداف و برنامه‌های دیگر رفاهی و اقتصادی همراه نیست. همچنین، کاهش سهم دولت بیانگر امکان ورود بخش خصوصی به حوزه آموزش عالی و لذا پاسخ‌گو کردن مؤسسات آموزش عالی در برابر نیازهای جامعه است.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

- دولت نباید مسئولیت خود در ارتباط با تأمین مالی آموزش عالی را کنار گذارد، بلکه می‌تواند شیوه حمایت خود را تغییر دهد تا مشارکت بخش خصوصی تقویت شود و مؤسسات آموزش عالی را در مسیر تجاری‌سازی و تقویت ارتباطشان با جامعه و صنعت هدایت کند.

۱. مقدمه

سیر نسل‌های متعدد دانشگاه و عزیمت از تأمین مالی ساده و بی‌دغدغه دانشگاه‌ها توسط دولت‌ها یا نهادهای مذهبی به سمت سازوکارهای پیچیده و دشوار، بر اهمیت مالیه آموزش عالی افزوده است. هر چه تقاضاهای اجتماعی از دولت برای تأمین رفاه بالاتر افزایش می‌یابد، کار دولت در حمایت مالی مستقیم از دانشگاه‌ها با تنگنای بیشتری مواجه می‌شود. این تجربه‌ای است که کشورهای پیشرفته صنعتی از سر گذرانده‌اند و به تدریج در حال انتقال به کشورهای کمتر توسعه یافته است.

الگوی تعیین بودجه دانشگاه‌ها و سازوکارهای تخصیص آن یکی از ابزارهای مهم دولت در راهبری و حکمرانی آموزش عالی کشور است. بهبود این سازوکارها می‌تواند بر کیفیت خروجی‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور اعم از دانش‌آموخته و محصولات علمی بسیار مؤثر باشد. شاید به همین دلیل بوده است که اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آموزش اختصاص یافته و تأمین آموزش عالی را تا سرحد خود کفایی رایگان اعلام کرده است. از این رو، آشنایی با روش‌ها، سیاست‌ها و سازوکارهای دولت‌ها در سایر کشورها، به ویژه کشورهایی که عملکرد موفق‌تری در آموزش عالی داشته‌اند، می‌تواند برای سیاست‌گذاران کشور آموزنده باشد.

به‌طور کلی کشورهای مختلف سازوکارهای مختلفی را در جهت تأمین و تخصیص منابع از تأمین مالی دولتی تا خصوصی برای نظام آموزش عالی خود در پیش گرفته‌اند، اما میزان آن در کشورهای مختلف متفاوت است. به طوری که در دانشگاه‌های اروپایی بیشتر تأمین مالی دولتی و در دانشگاه‌های آمریکایی تأمین مالی خصوصی شکل غالب تأمین مالی است. در زمینه تأمین مالی، بعضی از دولت‌ها به طرف عرضه (مؤسسات آموزش عالی)، برخی به طرف تقاضا (خانوارها و دانشجویان) و برخی به هر دو طرف بازار خدمات آموزش عالی پارانه پرداخت می‌کنند.

با این وصف، مسئله اصلی در این مطالعه این است که با بررسی نظام‌های تأمین مالی آموزش عالی در سایر کشورها، مشخص شود که اولاً چه الگوهای کلی در زمینه حمایت مالی دولت از آموزش عالی وجود دارد؟ ثانیاً چه سیاست‌هایی در کشورهای مختلف در این راستا اتخاذ شده است؟

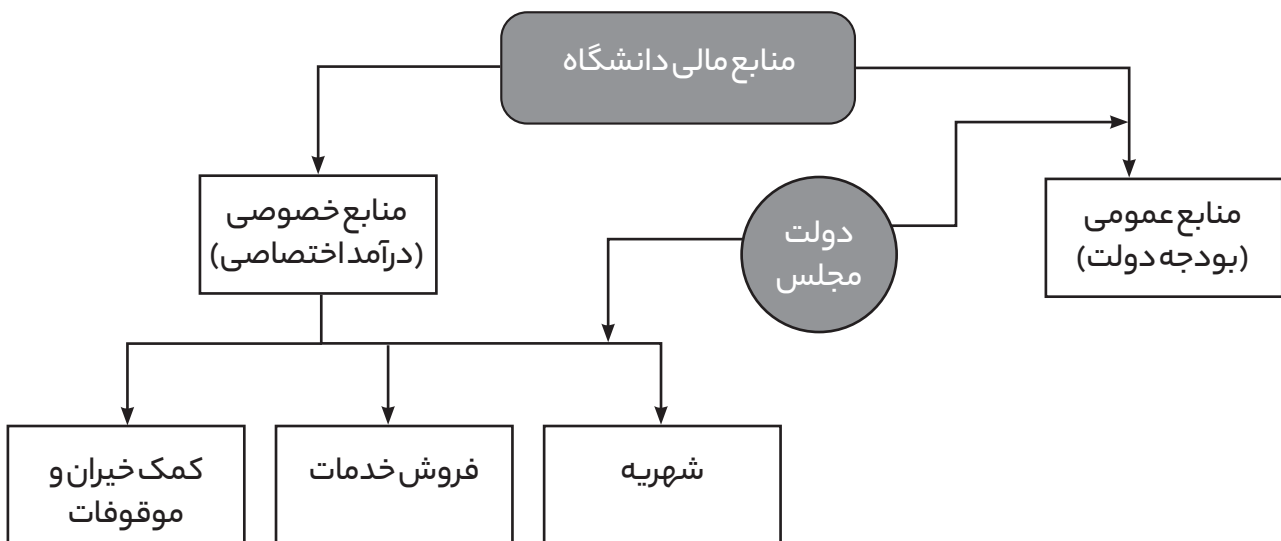
۲. روش انجام پژوهش



در مطالعه حاضر، رویکردها و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها در چهار کشور صنعتی در حوزه تأمین مالی آموزش عالی بررسی و تحلیل می‌شود. برای این منظور، کشورهای شاخص در هر رژیم تأمین مالی شناسایی شده و تحولات و سیاست‌های دولت در این ارتباط بررسی می‌شوند. این تحلیل عمدتاً روی سیاست‌های معطوف به شهریه، یارانه و وام دانشجویی در قالب بودجه به مؤسسات آموزش عالی متمرکز است که توسط دو قوه مقننه یا

مجریه تصویب یا اجرا شده‌اند. بنابراین، دو نکته در این زمینه قابل ذکر است. نخست، آنچه در اینجا مدنظر است صرفاً رویکرد دولت به معنای قوه مجریه به تأمین مالی مورد بحث نیست، بلکه مصوبات مجالس قانونگذاری که توسط دولت‌ها به اجرا درمی‌آیند نیز مشمول بررسی قرار می‌گیرند. دوم، منابع مالی دانشگاه‌ها دو بُعد خصوصی و دولتی را شامل می‌شود که هر دو از سیاست‌های دولت و مصوبات مجلس تأثیر می‌پذیرند (شکل ۱).

شکل ۱. منابع مالی عمده دانشگاه‌ها



درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در سال ۲۰۲۰ شامل می‌شود. همچنین سهم جمعیت و تولید ناخالص داخلی آن از مجموعه سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به ترتیب برابر با ۴۰ درصد و ۵۵ درصد است [۱]. دلیل انتخاب این کشورها برجستگی آنها در رویکرد تأمین مالی آموزش عالی است، به طوری که هر یک نمونه‌ای کاملاً متمایز به شمار می‌رود.

در کل، چهار نوع ترکیب شهریه-یارانه در دنیا قابل مشاهده است که کشورهای مختلفی در این چهار دسته قرار می‌گیرند، اما در هر یک از آنها یک کشور برجسته‌ترین وضعیت را دارد که برای نمونه متمایز انتخاب می‌شود. هر یک از این چهار رژیم مبتنی بر یک فلسفه فکری و نگرش اقتصادی است که شاید بتوان ریشه آن را در فرهنگ جوامع یافت. مسائلی مانند اینکه نظام اقتصادی بر مبنای بازار آزاد فعالیت کند یا در سیطره دخالت دولت و همچنین نوع نگاه به آموزش عالی به مثابه کالای خصوصی یا شبه عمومی، میزان

برای نمونه، یارانه و وام دوازده سیاستی پر کاربرد است که بر اساس نگرش دولت‌ها و مجالس قانونگذاری از محل منابع عمومی و به منظور حمایت از آموزش عالی به کار گرفته می‌شوند. همچنین، شهریه یکی از منابع خصوصی تأمین مالی آموزش عالی است که ظاهراً در بسیاری از کشورها خارج از حیطه تصمیم‌گیری دولت‌ها و مجالس قانونگذاری است، اما در عمل بیش از سایر منابع خصوصی مشمول مقررات گذاری قرار می‌گیرد، به طوری که زمینه‌ای برای سیاستگذاری از طریق اعمال سقف، مجوز افزایش حتی در مؤسسات خصوصی و غیره محسوب می‌شود. بر این اساس، کشورهای توسعه یافته دسته‌بندی شده و متمایزترین آنها از لحاظ سطح شهریه و یارانه انتخاب می‌شود.

نمونه کشورهای توسعه یافته چهار کشور عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) را شامل می‌شود: آمریکا، آلمان، فنلاند و ژاپن. این نمونه نزدیک به ۷ درصد جمعیت جهان و ۳۳

یعنی یارانه و شهریه که معیار تفکیک کشورها قرار گرفته‌اند، رویکرد دولت‌ها در ارتباط با نظام وام نیز مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

دو نوع اصلی وام دانشجویی از لحاظ شیوه بازپرداخت وجود دارد: وام با بازپرداخت ثابت^۱ و وام مشروط به درآمد. در وام با بازپرداخت ثابت، دانشجویان موظفند بدون توجه به وضعیت مالی خود پس از تحصیل، وام را در مدت معین بازپرداخت کنند. این ممکن است بار مالی سنگینی را بر فارغ‌التحصیلان (یا دانشجویان) کم‌درآمد تحمیل کند. در مقابل، در وام مشروط به درآمد، بازپرداخت منوط به رسیدن درآمد وام‌گیرنده به یک آستانه است و شامل بخشودگی بدهی پس از یک دوره زمانی معین می‌شود. این نوع بازپرداخت عادلانه‌تر تلقی می‌شود، زیرا توانایی فارغ‌التحصیلان برای بازپرداخت وام را در نظر می‌گیرد.

هر دو نوع بازپرداخت متضمن هزینه‌هایی برای دولت است که بازپرداخت وام را تضمین می‌کند. با این حال، بار مالی بالقوه برای دولت در مورد وام مشروط به درآمد نامشخص‌تر است. زیرا این وام به توانایی فارغ‌التحصیلان برای یافتن کار و کسب درآمد بالاتر از حداقل آستانه بازپرداخت بستگی دارد [۲].

تأثیرگذاری آموزش عالی بر اقتصاد، گستره آثار خارجی و منافع عمومی آموزش عالی و امثالهم، همگی در تعیین سطح و نوع سیاست‌های حمایتی دولت از آموزش عالی دخالت دارند و کشورها را از یکدیگر متمایز می‌کنند.

در ادامه، نظام تأمین مالی آموزش عالی کشورها، به ویژه با محوریت نقش دولت، بررسی و تحلیل می‌شود و در پایان، یک جمع‌بندی تطبیقی در این زمینه ارائه خواهد شد. در این راستا، یک موضوع محوری مشترک مبنای تحلیل آماری قرار خواهد گرفت، «سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در مؤسسات آموزش عالی». این موضوع برای شناسایی نقش دولت و میزان مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی آموزش عالی است و با رجوع به داده‌های موجود، عمدتاً بر اساس گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال‌های مختلف، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تحولات هزینه‌های دولتی و خصوصی آموزش عالی رصد شود. این موضوع اهمیت آموزش عالی را برای دولت مشخص می‌کند، به این معنا که هر چه سهم مخارج دولت از آموزش عالی از کل مخارج دولت بیشتر باشد، اولویت خرج کرد دولتی این بخش برای دولت نیز بالاتر است. در انتها، یک جمع‌بندی بر اساس بررسی تجربه کشورهای نمونه ارائه خواهد شد. در این بخش علاوه بر ابعاد پراهمیت موضوع

۳. ایالات متحده آمریکا



۳-۱. تأمین مالی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی

در ایالات متحده، تحصیل در آموزش عالی از دو طریق دولتی یا خصوصی امکان‌پذیر است. تمایز میان آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در قرن نوزدهم به شکلی مشخص و روشن مطرح شد. در قرن نوزدهم دولت آمریکا دانشگاه‌های «ایالتی» جدیدی را تأسیس و از جنبه مالی تأمین کرد که آشکارا با مؤسسات قدیمی تفاوت داشتند. تفاوت اصلی بین بخش دولتی و بخش خصوصی آموزش عالی، مسائل مالی و هزینه‌هاست. این در حالی است که دانشگاه‌های دولتی توسط دولت حمایت‌های بسیاری دریافت می‌کنند، اما دانشگاه‌های خصوصی چندان توسط دولت حمایت یا تأمین مالی نمی‌شوند. آنها عمدتاً از طریق کمک‌هزینه‌های تحقیقاتی دانشکده‌ها، کمک‌های مالی فارغ‌التحصیلان، هزینه‌های تحصیل و وجوه خصوصی منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. با وجود این، آنها بودجه عمومی را در قالب تخفیف‌های مالیاتی مطلوب، وام‌های دانشجویی دولتی

و کمک‌های بلاعوض دریافت می‌کنند. شهریه این دانشگاه‌ها کمی بالاتر از دانشگاه‌های دولتی است، لکن از پرداخت مالیات معاف هستند. در واقع، اعمال تخفیف مالیاتی از سوی دولت بابت شهریه دریافتی دانشگاه‌ها با هدف جلوگیری از افزایش شهریه توسط دانشگاه‌ها انجام می‌شود. با این همه، این دانشگاه‌ها موظفند مقررات آموزش عالی دولتی را که بر مبنای منافع اجتماعی و عدم تبعیض وضع شده است، رعایت کنند.

یکی از فواید مؤسسات آموزش عالی خصوصی ایجاد رقابت میان مؤسسات دولتی و خصوصی و در نتیجه تلاش‌هایی در جهت کارآمد کردن، تعالی بخشیدن و پویایی نظام آموزش عالی است. از تفاوت‌های برجسته دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در ایالات متحده، تفاوت بین شهریه دانشجویان خارجی و داخلی در این دانشگاه‌هاست. به نحوی که در دانشگاه‌های دولتی شهریه دانشجویان بین‌المللی در مقایسه با دانشجویان داخلی بیشتر است [۳]. در حالی که در دانشگاه‌های خصوصی میزان شهریه

1. Fixed-Repayment Loan.
2. Income-Contingent Loan.

دانشجویان خارجی و داخلی تفاوتی با هم ندارد.

۲-۳. سیاست‌های ملی در تحولات نظام تأمین مالی آموزش عالی

در زمینه آموزش عالی، ایالات متحده آمریکا نمونه رژیم «شهریه بالا-یارانه زیاد»^۱ است. در سال ۲۰۱۱، میانگین سالیانه شهریه دانشجویان تمام وقت در حدود ۵۵۰۰ دلار بود [۴] که بیشتر از سایر کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به جز شیلی بود. با این حال، برخلاف شیلی و بقیه کشورهای دارنده رژیم شهریه بالا-یارانه اندک، بیش از سه چهارم تمام دانشجویان در ایالات متحده آمریکا، کمک مالی دولتی دریافت می‌کنند. از آنجا که این کمک به شکل وام بود، میانگین بدهی دانشجویان در زمان فارغ التحصیل به حدود ۳۰ هزار دلار آمریکا بالغ می‌شد [۵]. حتی بدهی ۶ رقمی غیرعادی نیست، مبالغی که در کل کشورهای شهریه پایین (مانند فنلاند یا آلمان) تصورناپذیر است.

انواعی از حلقه‌های شهریه-یارانه مشابه در سراسر کشور مشاهده می‌شود: مبلغ شهریه‌ها در بین ایالت‌ها و انواع مختلف مؤسسات آموزش عالی اختلاف بسیار زیادی با هم دارند، به طوری که در بین انواع مؤسسات، دانشگاه‌های چهارساله شهریه‌هایی به مراتب بالاتر از مدارس عالی دوساله اخذ می‌کنند و از میان بخش دولتی و خصوصی، به طور میانگین، شهریه در مؤسسات آموزش عالی خصوصی بسیار بیشتر است. افزون بر این، تاکنون حتی برای دانشجویان ثبت نام شده در برنامه یکسان و در مؤسسه‌های مشابه یک امر عادی شده است که مبالغ متفاوتی راپردازند. زیرا مؤسسات از ابزار «تخفیف شهریه» برای بیشینه‌سازی ثبت نام و درآمد استفاده می‌کنند. در نتیجه، تنوع عظیمی از مبالغ و شرایط شهریه در سراسر ایالات متحده وجود دارد. همین مطلب در مورد یارانه نیز صادق است به این صورت که نه تنها انواع کمک فدرال، بلکه کمک ایالتی نیز وجود دارد. علاوه بر حمایت دولتی از مؤسسات آموزش عالی، از حمایت مالی خصوصی نیز باید یاد کنیم. نتیجه عبارت است از یک نظام پیچیده با جریان‌های مالی

متعدد، از جانب دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی به سمت مؤسسات آموزش عالی، دانشجویان، خانواده‌های دانشجویان و بانک‌ها و برعکس از طرف دانشجویان، خانواده‌های آنها، بانک‌ها و دولت‌ها به سمت مؤسسات آموزش عالی.

به طور خلاصه، ردیابی توسعه رژیم شهریه-یارانه و تحلیل دقیق توسعه نظام مالی یا آموزش عالی ایالات متحده در طول هفت دهه پس از جنگ، نشان دهنده تأثیر خاص نگرش‌های سیاسی بر الگوگیری‌های نظام شهریه-یارانه در ایالات متحده آمریکا بوده است. از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۰ را می‌توان عصر گسترش اعانه‌ها و ثبت نام نامید که در آن بیشتر دولت‌ها در اختیار دموکرات‌ها بوده است. برعکس، از سال ۱۹۸۰ به بعد عصر وام و کاهش مالیات‌هاست که تسلط جمهوری خواهان بر دولت بیشتر بوده است [۶]. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دموکرات‌ها بیشتر به سمت گسترش یارانه برای آموزش عالی حرکت کرده‌اند، اما جمهوری خواهان بر اعطای وام به دانشجویان و کاهش مالیات‌ها تأکید داشته‌اند.

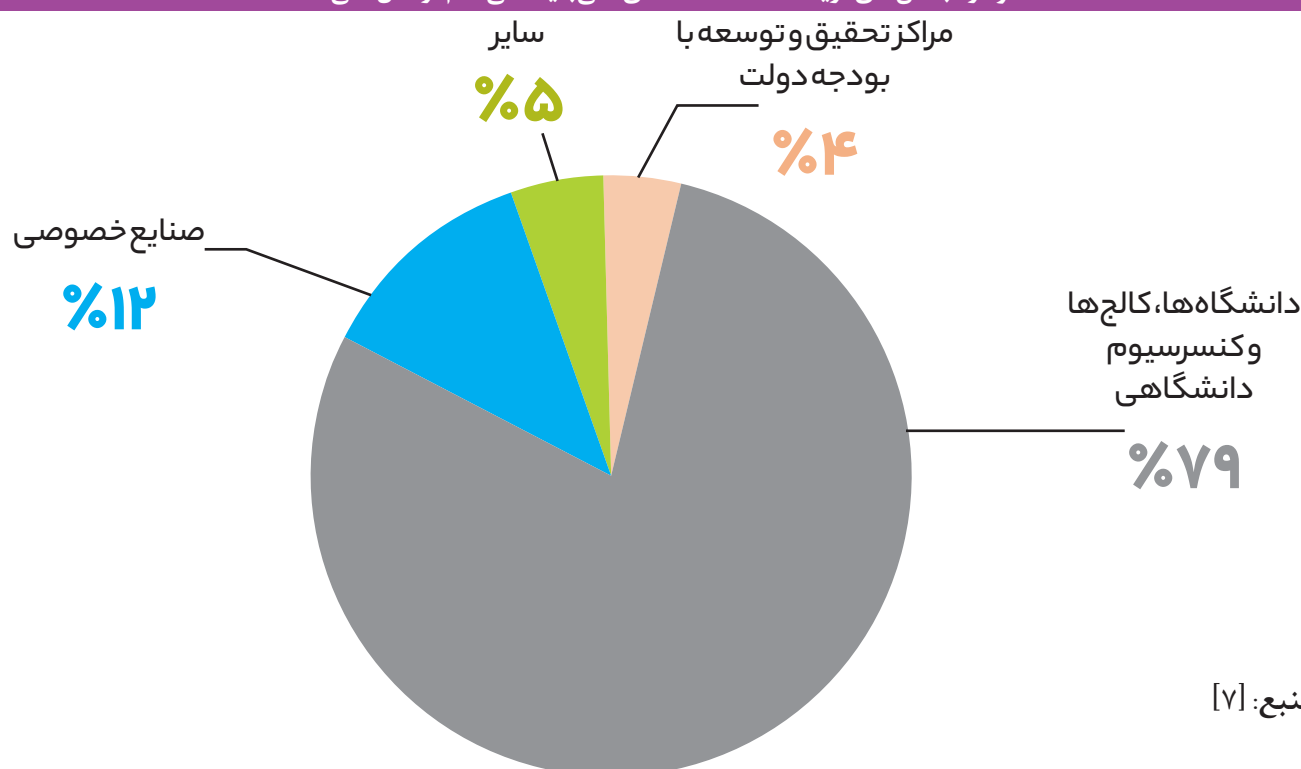
۳-۳. تأسیس بنیاد ملی علم

حمایت مالی دولت از آموزش عالی در ایالات متحده صرفاً در قالب کمک‌های پولی مستقیم (یارانه، وام) انجام نمی‌شود، بلکه نهادسازی‌هایی توسط قوای مقننه و مجریه در این کشور صورت گرفته است که بستر مناسبی را برای تأمین مالی دانشگاه‌ها بدون نقش آفرینی مستقیم دولت فراهم می‌آورد. قبل از جنگ جهانی دوم، دولت فدرال نقش کوچکی در حمایت از پژوهش در کالج‌ها و دانشگاه‌های ایالات متحده داشت. در عوض، مؤسسات پژوهشی به موقوفات بشر دوستانه یا سرمایه‌گذاری از سوی شرکت‌های خصوصی، اغلب با منافع خاص، متکی بودند. یکی از نهادهای ایجاد شده برای رفع این ضعف که در زمینه تأمین مالی آموزش عالی نقش برجسته‌ای ایفا کرده، بنیاد ملی علم^۲ است.

۱. منظور این است که در این رژیم، دانشجویان شهریه‌های بالایی را پرداخت می‌پردازند، اما در عین حال یارانه قابل توجهی نیز دریافت می‌کنند.

2. National Science Foundation (NSF).

نمودار ۱. بخش‌های دریافت‌کننده کمک‌های مالی بنیاد ملی علم در سال مالی ۲۰۲۲



منبع: [۷]

دانشگاه‌ها محسوب می‌شود. طرز کار بنیاد به این شکل است که از مراکز علمی-پژوهشی به مدت ۱۰ سال حمایت مالی به عمل می‌آورد.

۴-۳. ایجاد مراکز پژوهشی دانشگاه-صنعت-دولت

نهادسازی توسط دولت ایالات متحده در زمینه حمایت مالی از دانشگاه‌ها به ایجاد بنیاد ملی علم محدود نمی‌شود، بلکه مراکز دیگری نیز راه‌اندازی شده‌اند که در این عرصه نقش ایفا می‌کنند. مراکز پژوهشی دانشگاه-صنعت-دولت محیطی را فراهم می‌کنند که در آن پژوهشگران بخش‌های متعدد نظام نوآوری در هزینه‌ها و مخاطرات مرتبط با تحقیق و توسعه سهیم می‌شوند [۸]. در سال‌های اخیر، دولت‌ها مراکز پژوهشی دانشگاه-صنعت را با اهداف مشترک انتقال فناوری‌های دانشگاهی به درون بازار و تهییج توسعه اقتصادی مبتنی بر فناوری، تأمین مالی کرده‌اند [۸]. در واقع، صحبت از یک مارپیچ سه‌گانه^۱ است که در آن دولت، صنعت و آموزش عالی به هم می‌پیچند [۹]. دولت در این مارپیچ نقش حامی مالی و مقررات‌گذار را دارد که زمینه را برای پیوند دانشگاه و صنعت در جهت تقویت نیاز هر دو فراهم می‌کند.

بنیاد ملی علم ایالات متحده که در سال ۱۹۵۰ توسط کنگره تأسیس شد، یک مؤسسه مستقل فدرال است که از علوم و مهندسی در تمام ۵۰ ایالت و قلمرو ایالات متحده پشتیبانی می‌کند. سرمایه‌گذاری‌های آن در حدود ۲۵ درصد از حمایت فدرال از کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا برای تحقیقات پایه را تشکیل می‌دهد. در سال مالی ۲۰۲۲، اعتبارات بودجه‌ای بنیاد ملی علم معادل ۸/۸ میلیارد دلار بوده است [۷]. این بودجه به سه شکل هزینه می‌شود که عمدتاً به صورت کمک‌های بلاعوض^۱ (اعانه) است (۷۰ درصد). توافق‌نامه‌های همکاری (۲۵ درصد) و قراردادها (۵ درصد) دو شیوه دیگر مخارج بنیاد را تشکیل می‌دهند. این بودجه در چهار حوزه توزیع می‌شود که بخش عمده آن به دانشگاه‌ها و کالج‌ها مربوط می‌شود (نمودار ۱).

یک رویه ویژه در پیش گرفته شده که جو رقابت و نوآوری را در محیط پژوهش دانشگاهی ایجاد می‌کند، تعیین جوایز مالی برای طرح‌های پژوهشی است. در گزارش مالی سال ۲۰۲۲ بنیاد ملی علم، ۱۱۰۰۰ جایزه رقابتی تعیین شده است که به برترین طرح‌ها اعطا می‌شود. این گونه جوایز در عین حال که فضای پژوهش و نوآوری را رونق می‌بخشد، یک منبع تأمین مالی قابل اتکا برای

1. Grant
2. Triple Helix.

ایجاد زیرساخت و امکانات در دانشگاه‌های ایالتی انجام می‌شوند تا از این طریق عملکرد پژوهشی چندبخشی و همکارانه در یک منطقه امکان پذیر شود. هدف دولت این است که سرمایه فکری، پژوهشگران و بنگاه‌های نوآور را به سمت منطقه نوآوری بکشاند تا مزیت امکانات ارائه شده توسط مراکز پژوهشی همکارانه را به دست آورند [۱۰].

۳-۶. سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در مؤسسات آموزش عالی

با مروری خلاصه بر نظام حمایت مالی دولت از آموزش عالی، در اینجا تمرکز خود را بر آمارها و تفکیک میزان سرمایه گذاری دولتی و خصوصی قرار داده و به دنبال آن هستیم که ضمن شناسایی تنوع منابع خصوصی، سهم هریک از این منابع را در طول دوره مطالعه بررسی نماییم. جدول ۱ حاوی اطلاعاتی از مخارج دولتی و خصوصی است.

۳-۵. ایجاد مراکز پژوهشی همکارانه

یکی از اشکال رایج مراکز پژوهشی دانشگاه-صنعت-دولت، مراکز پژوهشی همکارانه^۱ است. مراکز پژوهشی همکارانه، واحدهای پژوهشی هستند که پژوهشگرانی از رشته‌های گوناگون علمی و مهندسی را شامل می‌شوند، معمولاً در مؤسسات متعدد آموزش عالی پراکنده‌اند، با هم همراه می‌شوند تا به یک مسئله علمی یا فناوری خاص بپردازند. مراکز پژوهشی همکارانه دانشگاه محور همچنین پژوهشگران از طرف‌های صنعتی و آزمایشگاه‌های دولتی را درگیر می‌کنند تا از پژوهش‌های مرکز حمایت شود. آنها در ابتدا توسط بنیاد ملی علم و سایر کارگزاران فدرال تأمین مالی می‌شوند تا روی مسائل علمی و مهندسی تحقیق کنند. به این دلایل، دولت‌های محلی و ایالتی اقدام به سرمایه گذاری در مراکز پژوهشی همکارانه می‌کنند [۸]. این سرمایه گذاری‌ها معمولاً به شکل تأمین مالی ایالتی به منظور

جدول ۱. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین المللی مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده با توجه به منبع تأمین مالی

سال	مخارج			دولتی	بین المللی
	خصوصی				
	کل	سایر نهادهای خصوصی	خانوار		
۲۰۰۲	۵۴/۹	۱۶	۳۸/۹	۴۵/۱	۰
۲۰۰۷	۶۸/۴	۳۴/۲	۳۴/۲	۳۱/۶	۰
۲۰۱۲	۶۲/۲	۱۶/۴	۴۵/۸	۳۷/۸	۰
۲۰۱۵	۶۴	۱۸	۴۶	۳۵	۰
۲۰۱۶	۶۵	۱۹	۴۶	۳۵	۰
۲۰۱۷	۶۴	۱۹	۴۵	۳۵	۰
۲۰۱۸	۶۵	۲۰	۴۵	۳۶	۰
۲۰۱۹	۶۴	۲۰	۴۴	۳۶	۰

منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]

1. Collaborative Research Centers.

کرد که دولت و بخش خصوصی تعاملی در راستای تأمین مالی آموزش عالی را برعهده دارند، به طوری که دولت نقش خود را به بخش خصوصی محول و بازار آموزش عالی را بیشتر به سمت سازوکار بازار هدایت کرده است. نکته حائز اهمیت این است که افزایش سهم مخارج خصوصی به طور عمده به خانوارها منتقل شده که قاعدتاً بیشتر از نوع شهریه است.

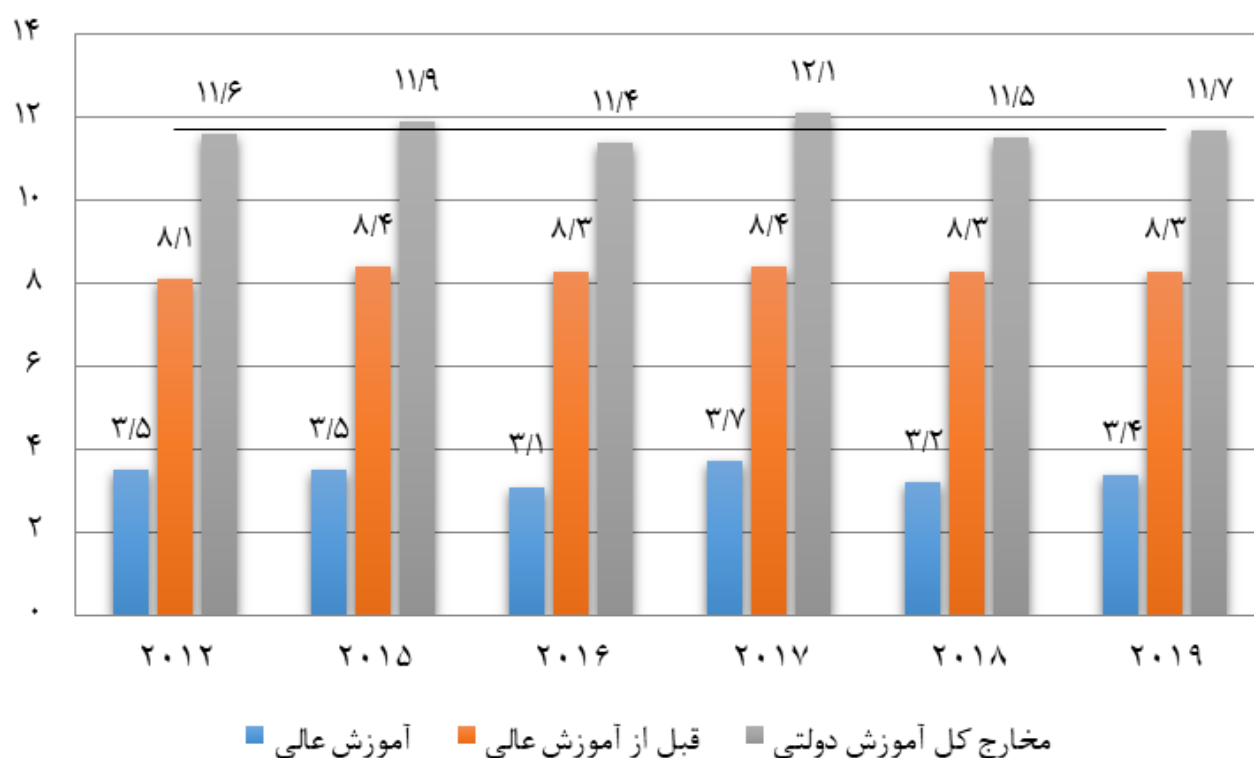
۷-۳. سهم مخارج آموزشی دولت از کل مخارج دولت

اگر بخواهیم اولویت مخارج دولتی آموزش عالی نزد دولت‌ها را شناسایی کنیم، بی شک مهم‌ترین شاخص، سهم مخارج دولتی در این بخش از کل مخارج دولت است. نمودار ۲ روند این شاخص را در یک دهه گذشته در ایالات متحده به تصویر می‌کشد.

براساس اطلاعات جدول ۱:

- ایالات متحده آمریکا، فاقد منابع مالی بین‌المللی است.
 - سهم مخارج دولتی در طول دوره یک‌روند کاهشی را طی کرده است.
 - در طول دوره، سهم خانوار در هزینه‌های آموزش عالی روند افزایشی قابل توجهی داشته است.
 - به طور کلی، سهم مخارج خصوصی در طول دوره روند افزایشی داشته و در زمان‌هایی که امکان تأمین مخارج از ناحیه منبع دولتی وجود نداشته، این مخارج عمدتاً به خانوارها منتقل شده است.
- سهم مخارج دولتی در طول دو دهه نزدیک به ۱۰ درصد کاهش داشته است. این موضوع در مورد سهم هزینه خصوصی دقیقاً برعکس اتفاق افتاده است. می‌توان این روندها را این‌گونه تحلیل

نمودار ۲. سهم مخارج آموزشی دولت ایالات متحده از کل مخارج دولت (درصد)



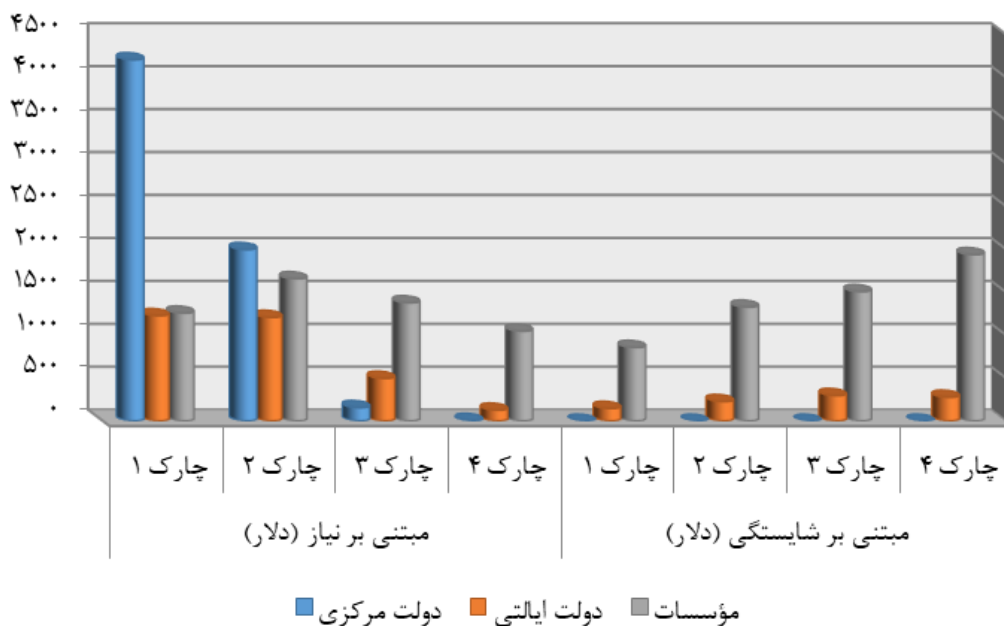
منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]

۸-۳. توزیع کمک هزینه تحصیلی

از آنجا که ایالات متحده از یک نظام با کمک مالی زیاد تبعیت می کند، انتظار داریم اعطای کمک هزینه تحصیلی توسط دولت به دانشجویان قابل توجه باشد. در این کشور کمک های مالی به آموزش عالی بر دو مبنای عمده انجام می شود: مبتنی بر نیاز^۱ و مبتنی بر شایستگی^۲. کلیه کمک های بلاعوض، یارانه ها و وام ها به طور عمده بر اساس این دو معیار در بین دانشجویان توزیع می شود. با توجه به نظام فدرالی و همچنین مشارکت خود دانشگاه ها در کمک به دانشجویان، کمک های مالی در سه سطح دولت مرکزی، دولت ایالتی و مؤسسات آموزش عالی اعطا می شود. نمودار ۳ نحوه توزیع کمک های دولتی به همراه کمک های مؤسسات را به نمایش می گذارد.

سهم نزدیک به ۱۲ درصدی آموزش (به صورت کلی در تمام سطوح) از مخارج دولت، سهم قابل توجهی است. همچنین، نوع تقسیم این سهم ۱۲ درصدی آموزش از کل مخارج دولت، نیز بر اساس یک روند منظم با سهم حدود دو سوم برای قبل از آموزش عالی و یک سوم برای آموزش عالی بوده و با تغییر دولت ها، تغییر در تأمین منابع مالی منجر به کاهش سهم آموزش در طیف های مختلف نشده است، البته شاهد آن هستیم که در طول زمان، سهم مخارج آموزشی دولت بیشتر به سمت آموزش عمومی (مدرسه) گرایش پیدا کرده است. دلیل عمده این تغییر روند، قابلیت درآمدزایی آموزش عالی بوده است که امکان کاستن از بار مخارج از دوش دولت را مهیا می سازد.

نمودار ۳. نحوه توزیع کمک هزینه تحصیلی بین دانشجویان در ایالات متحده



منبع: [۱۲]

- هرچه به چارک های درآمدی بالاتر می رویم، از میزان کمک دولت مرکزی کاسته می شود. دلیل این نحوه توزیع در بین دانشجویان، تأمین عدالت توزیعی و کاهش نابرابری در درآمدی است.
- دولت های ایالتی و مرکزی رفتارهای مشابه و متفاوتی را از خود بروز می دهند، به این صورت که دولت های ایالتی نیز همانند دولت مرکزی با افزایش درآمد دانشجویان (خانوارها) از میزان حمایت

- از نمودار ۳ درمی یابیم که:
- دولت مرکزی تنها بر مبنای نیاز دانشجویان اقدام به اعطای کمک مالی به آنها می کند. زیرا دغدغه اصلی دولت مرکزی حمایت از دانشجویان کم درآمد و تقویت دسترس پذیری آموزش عالی برای آنهاست. از این رو، میزان کمک های دولت مرکزی بر مبنای شایستگی تقریباً صفر است.

1. Need-Based.
2. Merit-Based.

توانمندترین دانشجویان را جذب کنند و از کمک مالی به مثابه حربه‌ای انگیزه‌بخش برای ثبت‌نام مستعدترین دانشجویان استفاده می‌کنند.

● با افزایش درآمد دانشجویان، میزان کمک مالی مبتنی بر شایستگی توسط مؤسسات نیز افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که شایستگی علمی دانشجویان از طبقات بالاتر درآمدی بیشتر از دانشجویان از خانواده‌های کم‌درآمد است. بر این اساس، اعطای کمک مالی براساس شایستگی تأمین‌کننده عدالت توزیعی نیست.

خود کم کرده‌اند، اما وجه تمایز دو سطح دولت در این است که دولت‌های ایالتی اقدام به پرداخت کمک‌های مبتنی بر شایستگی می‌کنند. شاید دلیل این امر دغدغه‌مندی ایالت‌ها برای ایجاد انگیزه در بین دانشجویان و ایجاد فضای رقابتی برای رشد علمی بیشتر در درون ایالت و جذب دانشجویان توانمندتر باشد.

● میزان کمک‌های مؤسسات به صورت مبتنی بر شایستگی قابل توجه بوده و از دولت مرکزی و ایالتی بسیار بیشتر است. دلیل این امر اولویت معیار شایستگی علمی برای پرداخت کمک هزینه یا وام به دانشجویان است. دانشگاه‌ها از این طریق سعی می‌کنند

۴. آلمان



پایین-یارانه اندک حمایت می‌کند. وضعیتی که جامعه آلمان در چهار دهه گذشته آن را تجربه کرده است. شهریه‌ها به شدت کم‌طرفدار و نقد زیادی از سوی دانشجویان و عموم مردم به آن وارد شده است.

احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا مواضع بسیار متفاوتی را در ارتباط با تأمین مالی آموزش عالی اتخاذ می‌کنند. در حالی که حزب سوسیال دموکرات یک نظام سخاوتمندانه یارانه را در نظر دارد تا برابری فرصت‌ها و تحرک اجتماعی به بالا را تقویت کند، اتحادیه دموکرات مسیحی با این طرح‌ها مخالف هستند و از نظام آموزش عالی نخبه‌گرا با کیفیت بالا حمایت می‌کند. با توجه به اینکه دموکرات‌های مسیحی در دو دهه نخست پس از جنگ اکثریت را در پارلمان در اختیار داشتند، ترجیحات خود را عملی ساختند و در نتیجه نظام آموزش عالی آلمان خصلت شهریه پایین-یارانه اندک خود را حفظ کرد.

با توجه به این ساختار و آشنایی با نظام سیاسی آلمان می‌بینیم که باروی کار آمدن و قدرت گرفتن هر جناح سیاسی نحوه تأمین مالی نظام آموزشی نیز تأثیر پذیرفته و چنانچه در جدول ۲ بررسی شده، بودن یا نبودن شهریه و تعیین میزان یارانه‌ها متأثر از دولت‌های ایالتی و فدرالی حاکم است. برای نمونه، الگوی **هونفر** یکی از طرح‌های پیشنهادی در حمایت از دانشجویان بود که پس از جنگ دوم معرفی شد، اما گستردگی چندانی نداشت. نارسایی این طرح که عمدتاً به دلیل تکیه آن بر معیار شایستگی بود، به تحولات بعدی در نظام تأمین مالی دامن زد و زمینه برای معرفی طرح جامع‌تر و قوی‌تری به نام بافوگ^۱ مهیا شد.

در سال ۱۹۴۹ یک پنجره فرصت به روی سوسیال دموکرات‌ها

در این قسمت به منظور استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر، ساز و کارهای دولت آلمان در تأمین مالی دانشگاه‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد که نمونه یک رژیم «شهریه اندک-یارانه کم» است. حدود ۷ درصد از دانشجویان در آلمان در دانشگاه‌های خصوصی مشغول به تحصیل هستند و سهم بخش خصوصی این کشور در تأمین هزینه‌های آموزش عالی، حدود ۱۵ درصد است. بنابر گزارش اداره آمار فدرال آلمان، این کشور دارای ۴۲۲ مؤسسه آموزش عالی تا اواخر سال ۲۰۲۲ بوده است که بین ایالت‌های مختلف توزیع شده‌اند. از این بین، ۱۱۴ مؤسسه از نوع خصوصی و بقیه دولتی هستند. همچنین در میان کل مؤسسات تنها ۱۰۸ دانشگاه وجود دارد که ۲۱ مورد از آنها خصوصی هستند [۱۳].

تجربه آلمان نشان می‌دهد که دولتی بودن ساختار آموزش عالی، لزوماً موجب ناکارآمدی این بخش نمی‌شود. آموزش عالی آلمان دارای صبغه غالب دولتی و هم‌زمان کارآمد و اثربخش است. رد پای این اثربخشی را می‌توان در نرخ پایین بیکاری دانشگاهیان و کیفیت و توانمندی بالای نیروی کار شاغل در صنعت پیشرو و دانش‌بنیان این کشور مشاهده کرد، همچنین تنوع بخشی به ساز و کارهای تأمین مالی براساس نوع مؤسسات، مأموریت‌گرا نمودن دانشگاه‌ها، هدفمندسازی کمک‌های مالی دولت و عملکردمحوری به جای نهاده‌محوری، عناصر اصلی نظام تأمین مالی آموزش عالی آلمان را تشکیل می‌دهد [۱۴].

۱-۴. نگرش‌های سیاسی در تأمین مالی آموزش عالی در آلمان

افکار عمومی در آلمان مخالف با شهریه‌های بالاست و از شهریه

1. Bafög (Bundesausbildungsförderungsgesetz).

بود، یعنی دانشجویان واجد شرایط از حق قانونی برای دریافت مزایا برخوردار بودند و به صورت یک اعانه برقرار می شد به نحوی که دانشجویان مجبور به بازپرداخت هیچ پولی نبودند. با نگاهی به توسعه بودجه آموزش عالی در آلمان از منظر مقایسه‌ای، اولاً توجه می‌کنیم که حمایت دولتی نسبتاً ثابت مانده است. نه بحران‌های مالی، نه اولویت‌های سیاست جایگزین و نه گفتمان‌هایی درباره مزایای احتمالی خصوصی‌سازی، سطح بالای بودجه عمومی را زیر سؤال نبرده است. وجوه بیشتری از منابع خصوصی جذب شده، اما نه در حدی که مسئولیت دولت کم‌رنگ شود. تلاش‌ها برای جمع‌آوری سرمایه‌های خصوصی همواره پس از دوره‌های کوتاه لغو گشته و غالباً اخذ هزینه‌های تحصیل تنها در چند ایالت آلمان اجرا می‌شد و همچنین تلاش‌ها برای جمع‌آوری بودجه تحقیقاتی از منابع خصوصی نیز نقش قابل توجهی در تأمین مالی نداشته‌اند [۱۵]. در کل می‌توان گفت تسلط بودجه عمومی در آلمان کم و بیش بدیپتی تلقی می‌شود، به طوری که در سال ۲۰۱۱، حدود ۸۵ درصد از منابع مالی آموزش عالی آلمان دولتی بود، و در مقایسه با کشورهای OECD که به طور متوسط ۷۰ درصد است، جایگاه پررنگ‌تری دارد [۱۶].

گشوده شد تا نظام شهریه-یارانه آموزش عالی را مطابق با ترجیحات خودشان شکل دهند. دو سیاست مورد توجه ویژه قرار گرفت. اولاً، دولت سوسیال-لیبرال دولت‌های ایالتی را وادار به لغو همه شهریه‌های باقیمانده کرد. ثانیاً، دولت سوسیال-لیبرال نه تنها در شهریه‌ها، بلکه در نظام یارانه آموزش عالی تغییرات بنیادی را با موفقیت به انجام رساند. در سال ۱۹۷۱ ائتلاف سوسیال-لیبرال به طور اساسی سیاست‌های یارانه‌ای نامتراکم محافظه‌کاران را کنار گذاشت و یارانه‌های بسیار سخاوتمندانه‌ای را با طرح کمک مالی دانشجوی (بافوگ) برقرار کرد. بافوگ یارانه‌های بسیار گشاده‌دستانه‌ای را ارائه می‌داد که شاید برای خوانندگانی که فقط با نسخه امروزی بافوگ آشنا هستند شگفت‌آور باشد: در حدود ۴۵ درصد از کل دانشجویان مورد حمایت قرار گرفتند. به بیان دیگر، نسبت دریافت کنندگان یارانه در مقایسه با الگوی هونفر متعلق به اتحادیه دموکرات مسیحی بلافاصله سه برابر شد. بافوگ به جای انتخاب دانشجویان براساس شایستگی یک طرح مبتنی بر نیاز بوده و افزون بر این آستانه درآمدی نسبتاً بالایی برای واجد شرایط بودن داشت. بنابراین حتی فرزندان خانواده‌های با درآمد متوسط نیز صاحب صلاحیت شناخته می‌شدند. بافوگ همچنین یک حق

جدول ۲. دولت‌های حاکم در آلمان و اصلاحات اساسی در آموزش عالی

سال	تحولات آموزش عالی
۱۹۴۹	تدوین قانون اساسی آلمان، حاکمیت نظام فدرالی، تصویب وظایف فدرال-ایالت‌ها و وظایف مشترک، عهده‌داری ایالت‌ها برای تأمین مالی آموزش عالی به موجب قانون.
۱۹۵۰	تأثیرگذاری بیشتر دولت فدرال، تسلط حزب دموکرات مسیحی، سیاست‌های مبتنی بر نظام آموزش عالی نخبه‌گرا، یارانه‌های کم و انحراف ترکیب اجتماعی بدنه دانشجویی به سمت خانواده‌های با درآمد بالا.
۱۹۵۵	معرفی الگوی هونفر، یارانه‌های مبتنی بر شایستگی و به صورت وام و در اختیار دولت.
۱۹۶۰	نمایان شدن نتایج ضعیف هونفر، خیزش اعتراض‌های دانشجویی، شکست ائتلاف دموکرات مسیحی و دموکراتیک آزاد، پررنگ شدن حزب سوسیال دموکرات و به چالش کشیده شدن نظام شهریه-یارانه حاکم.
۱۹۶۶	ائتلاف دموکرات مسیحی با سوسیال دموکرات‌ها، غلبه دیدگاه سوسیال دموکرات‌ها و تصویب قانون الزامات آموزش.
۱۹۶۹	بازنگری در قانون اساسی و تأمین مالی توسط دولت فدرال و تأمین ۶۵ درصدی نیازهای مالی دانشجویان خانواده‌های کم‌درآمد.
۱۹۷۱	معرفی طرح بافوگ (طرح حمایتی مالی مبتنی بر نیاز با آستانه درآمدی بالا برای تأیید صلاحیت دریافت کمک)، تبدیل نظام آموزش عالی آلمان به یک نظام بدون شهریه-یارانه بالا.
۱۹۷۳	بحران نفتی و رکود اقتصادی متعاقب آن و افول بافوگ.
۱۹۷۶	تصویب چارچوب قانونی برای نظام آموزش عالی و پیروی همه ایالت‌ها از آن.
۱۹۸۲	ائتلاف دموکرات مسیحی و دموکراتیک آزاد، محدود کردن بافوگ و تبدیل وضعیت بازپرداخت کل آن حداکثر ۵ سال بعد از فارغ‌التحصیل.

سال	تحولات آموزش عالی
۱۹۹۰	اتحاد آلمان شرقی و غربی و تأمین مالی برنامه‌های تحول آموزش عالی و تحقیقات در آلمان شرقی توسط دولت فدرال.
۱۹۹۸	روی کار آمدن سوسیال دموکرات‌ها و بهبود وضعیت یارانه‌ها، برقراری مجدد بافوق زیر عنوان یارانه‌های مستقیم و تخفیفات مالیاتی و کمک‌هزینه‌ها زیر عنوان یارانه‌های غیرمستقیم، تلاش برای حذف شهریه با تصویب قانون فدرال و مقابله دموکرات مسیحی.
۲۰۰۱	افتتاح طرح‌های حمایتی جدید دولت فدرال به‌عنوان یک نظام وام دانشجویی با نرخ بهره متوسط و وام‌های بانکی برای پوشش هزینه‌های تحصیل و فرصت بازپرداخت در صورت احراز سختی شرایط.
۲۰۰۲	برقراری مجدد شهریه در ایالت‌های زیر تسلط حزب محافظه‌کار.
۲۰۰۳	تأمین مالی با دو شیوه تنظیم قراردادهای پژوهشی و مشوق‌های کار دانشگاهی.
۲۰۰۶	ملزم شدن پرداخت شهریه ۵۰۰ یورویی برای همه دانشجویان در همه ایالت‌ها (ایالت‌های شرقی و برلین حاضر به دریافت شهریه نبودند).
۲۰۱۰	معرفی نظام جدید کمک هزینه تحصیلی آلمان.
۲۰۱۴	توافق دولت فدرال برای تأمین کل هزینه‌های نظام کمک‌های دانشجویی مبتنی بر نیاز.

منبع: برگرفته از [۶]

نمودارهای مرتبط آنها را تحلیل می‌کنیم.

۲-۴. منابع مالی آموزش عالی آلمان

درآمد مؤسسات آموزش عالی در آلمان از دو منبع عمده به‌دست می‌آید: (۱) منابع عمومی، (۲) تأمین مالی طرف ثالث.^۱ منابع عمومی، بودجه‌ای است که توسط دولت فدرال و دولت‌های ایالتی به مؤسسات آموزش عالی اختصاص می‌یابد یا از درآمد عملیاتی خود مؤسسات به‌دست می‌آید. تأمین مالی طرف ثالث منابعی را شامل می‌شود که از طریق همکاری با صنعت و جامعه محقق می‌شود یا اینکه دولت منابعی را در ازای انجام فعالیت و خدماتی از طریق نهادهای واسط مانند بنیاد پژوهش آلمان به دانشگاه‌ها منتقل می‌کند [۱۴]. در حال حاضر ۲۰ درصد از کل منابع دانشگاه‌ها مربوط به تأمین مالی طرف ثالث است. ۸۰ درصد باقیمانده منابع دانشگاه‌ها به‌صورت ۷ درصد از محل درآمد عملیاتی خود دانشگاه‌ها، ۱۳ درصد از محل کمک‌های مستقیم دولت فدرال و ۶۰ درصد از طرف دولت‌های ایالتی عاید دانشگاه می‌شود [۱۴].

در ادامه، تلاش می‌کنیم نظام تأمین مالی آموزش عالی آلمان را مورد بررسی آماری قرار دهیم و سهم بازیگران مختلف شرکت‌کننده در این عرصه را تحلیل کنیم. برای این منظور، دو موضوع محوری پیش‌گفته را مبنا قرار داده و در قالب جداول و

۳-۴. سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در مؤسسات آموزش عالی

در این قسمت از بحث به بررسی موضوع تأمین مالی آموزش عالی آلمان با توجه به تفکیک میزان سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی و خصوصی می‌پردازیم و به دنبال آن هستیم که ضمن شناسایی تنوع منابع خصوصی، میزان سهم و روند هر یک از این بخش‌ها را در طول دوره مطالعه بررسی نماییم.

بسته به اینکه قدرت در دست کدام جناح سیاسی کشور باشد، در بعضی از دوره‌های زمانی تلاش برای برقراری شهریه صورت گرفت، اما آنچه به‌صورت سیاست مالی دولت آلمان رخ می‌دهد رژیم شهریه اندک-یارانه اندک است. در قالب این رژیم، بدیهی است که سهم بخش خصوصی اعم از خانوار یا سایر نهادهای خصوصی در مقایسه با سهم دولت کوچک‌تر باشد و دولت بخش بیشتری از بار مالی آموزش عالی را به‌دوش بکشد. در جدول ۳، سهم نسبی مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی با توجه به منبع نهایی بودجه ارائه شده است.

1. Third Party Funds (Drittmittel).

جدول ۳. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین المللی مؤسسات آموزش عالی آلمان با توجه به منبع تأمین مالی

سال	مخارج			بین المللی
	دولتی	خصوصی		
		خانوار	سایر نهادهای خصوصی	
۲۰۰۲	۸۳/۳	۵/۳	۱۱/۴	۱۶/۷
۲۰۰۷	۸۵/۴	-	-	۱۴/۶
۲۰۱۲	۸۵/۹	-	-	۱۴/۱
۲۰۱۵	۸۳	-	-	۱۵
۲۰۱۶	۸۳	-	-	۱۵
۲۰۱۷	۸۳	-	-	۱۵
۲۰۱۸	۸۳	-	-	۱۵
۲۰۱۹	۸۱	-	-	۱۷

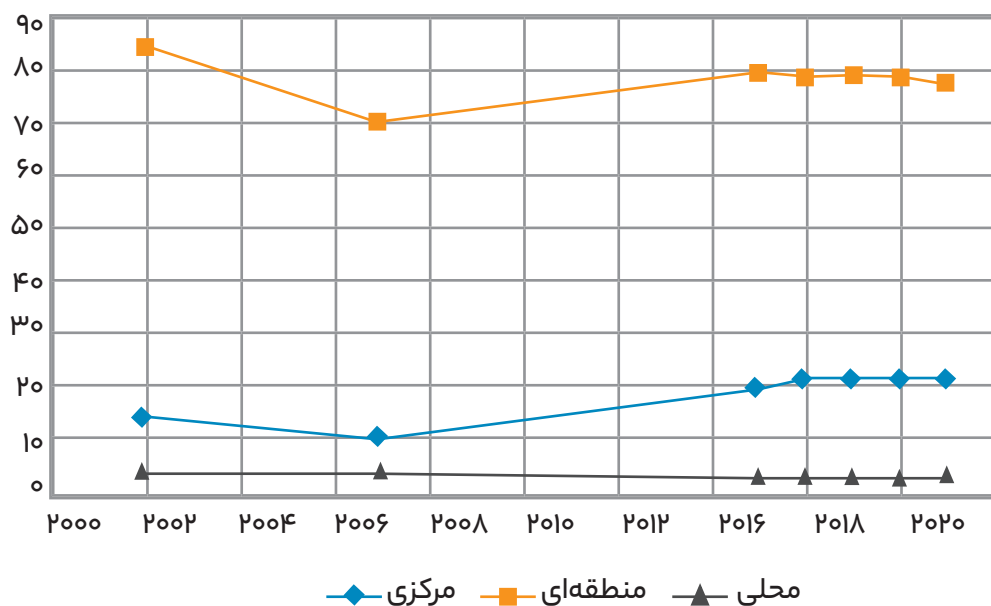
منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶]. نکته: خط تیره (-) بیانگر نبود اطلاعات است.

نمودار ۴، سهم تخصیص بودجه در سال های مختلف بر اساس سطح دولت ارائه شده است. مشهود است که سهم مناطق از سایر سطوح بیشتر و تأثیرگذارتر است و حزب حاکم بر مناطق، میزان یارانه و نرخ شهریه را تنظیم می کند، البته در سال های اخیر سهم دولت مرکزی پررنگ تر شده است.

۴-۴. سهم دولت از کل مخارج آموزش عالی

نظام حکمرانی آلمان به صورت فدرالی است و این به معنای توزیع قدرت در سطوح مختلف مرکز و ایالات و مناطق (مجموعه ای از چند ایالت) و دولت های محلی است. اگر چه میزان تأثیر نقش هر یک متفاوت است، اما در روند تأمین مالی دخیل هستند. در

نمودار ۴. تخصیص بودجه دولت آلمان به آموزش عالی به صورت درصد از کل منابع، بر اساس سطح دولت.



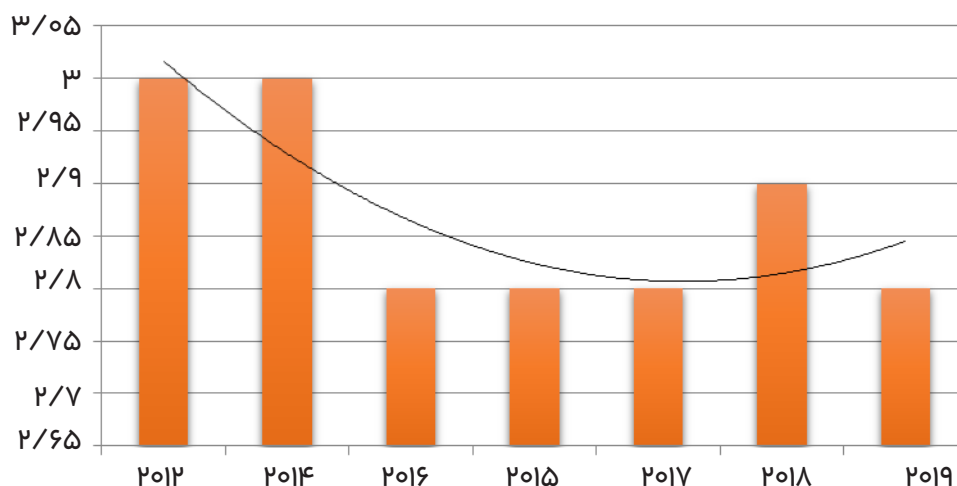
منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶].

دولت را نشان می‌دهد. هرچند ظاهراً میزان کاهش در طول نزدیک به یک دهه اندک است (دو دهم درصد، ۰/۲٪، کاهش از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹)، اما باید توجه داشت که همین میزان کاهش در کمتر از یک دهه اتفاق افتاده که از این منظر، برای یک نظام آموزش عالی دولتی مانند آلمان قابل توجه است. به علاوه، کاهش مذکور بزرگ‌تر از کاهش رخ داده برای سهم دولت در ایالات متحده است (یک دهم درصد، ۰/۱٪، کاهش از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹، براساس نمودار ۲) که آموزش عالی آن عمدتاً خصوصی است.

در آلمان، بودجه اضافی برای آموزش عالی به منظور حمایت از ایالت‌ها با هدف پوشش تعداد بالای پذیرفته‌شدگان در اختیار مؤسسات آموزش عالی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، ایالت‌ها برای اقداماتی مانند بهبود کیفیت آموزش بودجه دریافت می‌کنند. اولویت دیگر، حمایت مالی از دانشجویان در آموزش عالی است، از جمله کمک هزینه‌های ویژه برای دانشجویان با استعداد و دانشمندان جوان [۱۷].

نمودار ۵، سیر نزولی سهم مخارج آموزش عالی دولت از کل مخارج

نمودار ۵. سهم مخارج آموزش عالی دولت آلمان از کل مخارج دولت (درصد)



منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶].

۵. فنلاند

تحصیلی بهره‌مند هستند.^۱ همچنین، برخی از مؤسسات آموزشی در فنلاند قراردادهای کارآموزی را با شرکت‌ها منعقد می‌کنند که به دانشجویان کمک می‌کند مهارت‌های عملی و حرفه‌ای لازم را کسب کنند.

میزان ثبت‌نام‌های مؤسسات آموزش عالی فنلاند و همچنین دسترسی آموزش عالی فرزندان نخبگان پس از جنگ جهانی دوم مانند سایر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به‌طور محسوس پایین بود. علاوه بر اینکه یارانه‌های دولتی وجود نداشت، شهریه‌ها نیز ناچیز بود. در این زمان احزاب چپ‌گرا در مجلس تسلط داشتند. نفوذ مداوم این گروه در مجلس عامل اصلی پیشرفت و توسعه بود. به‌طور کلی، در انتهای جنگ جهانی دوم، فنلاند دارای یک نظام آموزش عالی خواص بود (به تبعیت

فنلاند نمونه برجسته برای رژیم «شهریه پایین - یارانه زیاد» است. یکی از دلایل اصلی موفقیت این کشور در آموزش عالی، اهمیت بالایی است که به تأمین مالی آموزش عالی می‌دهد. در فنلاند، دولت با همکاری صندوق ملی آموزش و پژوهش، منابع قابل توجهی را به آموزش عالی اختصاص می‌دهد. این منابع شامل بودجه‌های دولتی، معافیت مالیاتی، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و سایر منابع مالی است. از این طریق، فنلاند توانسته است با فراهم کردن زیرساخت‌های مستحکم، به رشد و توسعه آموزش عالی خود پردازد و یک زمینه پویا و دسترسی آسان برای دانشجویان را فراهم آورد. به علاوه، در فنلاند سیاست‌هایی در جهت حمایت از دانشجویان و خانواده‌های آنها نیز وجود دارد. دانشجویان در این کشور از مزایای مالی متنوعی مانند وام‌های

۱. معمولاً در فنلاند به دانشجویان خارجی بابت شهریه و همچنین به دانشجویان بومی که به دلیل تحصیل امکان تأمین هزینه‌های زندگی را ندارند، وام‌هایی داده می‌شود.

و همچنین فضاها و امکانات بیشتری برای تحصیل تأمین شوند. از جمله کارهای انجام شده در این راستا، تشویق دولت برای افزایش نرخ ثبت نام افراد در آموزش عالی است [۱۹].

۲-۵. تخصیص بودجه در آموزش عالی فنلاند

دانشگاه‌های فنلاند از استقلال تصمیم‌گیری قابل توجهی برخوردار هستند. به این معنا که خود تصمیم می‌گیرند که چه کسانی برای تحصیل پذیرش شوند، البته با توجه به انگیزه‌ها و نیازها این کار را انجام می‌دهند. مطابق با اطلاعات جدول ۴، در فنلاند بخش عمده هزینه‌های تحصیل در آموزش عالی بر عهده دولت است و خانوارها هیچ‌گونه هزینه تحصیلی را متحمل نمی‌شوند [۱۱]. بودجه دولت برای آموزش عالی سالیانه تعیین می‌شود. بودجه دانشگاه‌های دولتی به این ترتیب تخصیص پیدا می‌کند: ۴۲ درصد از منابع مالی دانشگاه‌های دولتی برای آموزش، ۳۴ درصد برای پژوهش و ۲۴ درصد باقیمانده صرف توسعه راهبردی دانشگاهی می‌شود [۲۰].

۳-۵. سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در مؤسسات آموزش عالی

در این بخش از بررسی تأمین مالی آموزش عالی فنلاند، تمرکز خود را بر تفکیک میزان سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی قرار داده و به دنبال آن هستیم که ضمن شناسایی میزان مشارکت منابع خصوصی، میزان سهم و روند هر یک از این بخش‌ها را در طول دوره مطالعه بررسی کنیم.

از الگوی آلمانی) و حمایت‌های غیر نظام‌مندی وجود داشت. با روی کار آمدن دولت حزب سوسیال دموکرات، سنت خواص گرا شکسته شد، به این علت که سوسیال دموکرات‌ها اعتقاد به برابری فرصت‌ها، تحرک اجتماعی رو به بالا و اقتصاد به اثبات داشتند.

۱-۵. سیاستگذاری دولت در آموزش عالی فنلاند

نظام آموزش عالی کشور فنلاند، متشکل از ۳۵ مؤسسه آموزش عالی دولتی است که از این میان ۱۳ دانشگاه دولتی و ۲۲ دانشگاه دیگر علمی-کاربردی هستند [۱۸]. در مواجهه با پیش‌بینی کاهش جمعیت جوان و نیروی کار و ثابت ماندن مهارت‌های بزرگسالان در فنلاند، مقامات دولتی این کشور تمرکز خود را بر روی ارتقای سطح آموزش عالی و افزایش تعداد فراگیران آموزش عالی گذاشته‌اند. همچنین، دولت فنلاند سیاستگذاری خود را با توجه به دستاوردهای آموزشی و دانشجویان بین‌المللی در سطح جهانی توسعه داده است و بدین طریق از مؤسسات آموزش عالی حمایت می‌کند.

مانند بسیاری از کشورهای اروپایی، از جمله همسایگان شمال اروپا، نظام آموزش عالی فنلاند نیز تقریباً به درآمدهای عمومی دولت برای مخارج مؤسسات آموزش عالی خود متکی است، اما در بین کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، فنلاند جزء کشورهایی است که تقریباً بیش از همه به منابع دولتی وابسته است. طبق پژوهش‌های اقتصادی سازمان مذکور، برای رسیدن به نقطه هدف گذاری شده، بودجه باید از منابع دولتی تأمین شود

جدول ۴. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی فنلاند با توجه به منبع تأمین مالی

سال	دولتی	خصوصی		
		خانوار	سایر نهادهای خصوصی	کل مخارج خصوصی
۲۰۰۲	۹۶/۳	-	-	۳/۷
۲۰۰۷	۹۵/۷	-	-	۴/۳
۲۰۱۲	۹۶/۲	-	-	۳/۸
۲۰۱۵	۹۳	۰	۳	۳
۲۰۱۶	۹۳	۰	۳	۳
۲۰۱۷	۹۲	۰	۳	۳
۲۰۱۸	۹۱	۰	۴	۴
۲۰۱۹	۹۰	۰	۴	۴

منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶]

برنامه‌ریزی شده برای همراهی با روندهای جهانی در راستای دخالت بیشتر بخش خصوصی است.

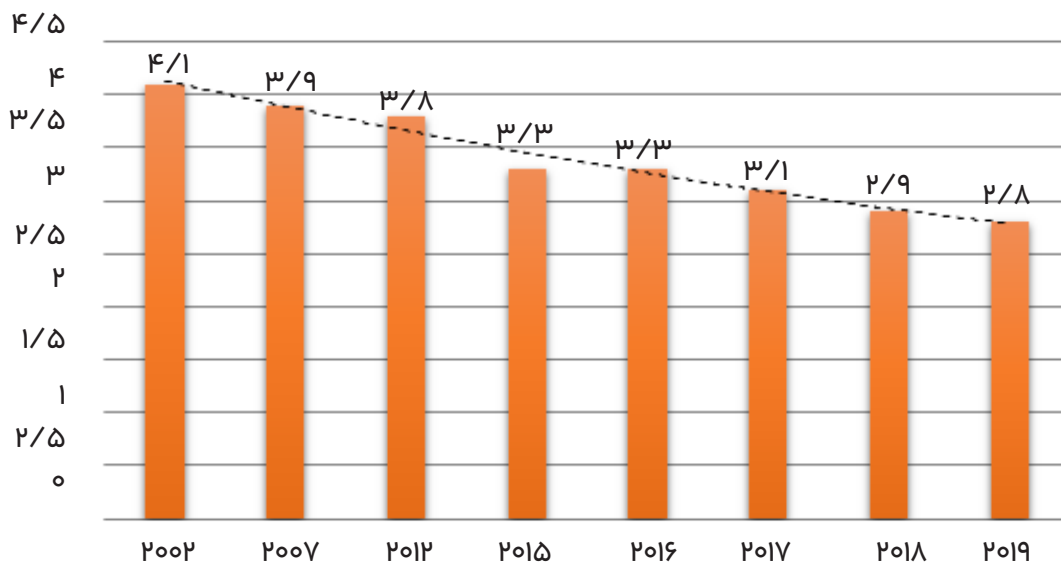
● دوم، کاهش سهم دولت همراه با افزایش سهم بخش خصوصی (هرچند اندک) انجام شده است، اما بار هزینه‌ها به خانوارها منتقل نشده است، بلکه مؤسسات خصوصی در این زمینه نقش ایفا کرده‌اند.

● افزایش نقش منابع بین‌المللی چشمگیر بوده است، به طوری که سهم آن از منابع خصوصی فراتر رفته است. این موضوع رهنمودی برای اقتصادهای باز و کوچک است که عرصه را برای سرمایه‌گذاران خارجی مهیا سازند.

جدول ۴، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۲ بیش از ۹۶ درصد مخارج مؤسسات از طریق منابع دولتی تأمین شده است. هرچند این سهم در طول زمان کاهش یافته و در سال ۲۰۱۹ به ۹۰ درصد رسیده است، اما با این حال فنلاند بالاترین سهم مشارکت دولت در تأمین مالی آموزش عالی را در بین کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی دارد [۱۱]. براساس اطلاعات جدول ۴ چند نکته حائز اهمیت است:

● نخست، دولت فنلاند با وجود تعهدی که به تأمین مالی آموزش عالی دارد، به تدریج از نقش خود کاسته است. این موضوع نشان می‌دهد که یا این روند پیامد اجتناب‌ناپذیر فشارهای مالی ناشی از تنگناهای اقتصادی است یا اینکه بیانگر سیاست

نمودار ۶. سهم مخارج آموزش عالی دولت فنلاند از کل مخارج دولت (درصد)



منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶]

اولویت هزینه‌ای آموزش عالی برای دولت این کشور کاهش یافته و به بخش‌های دیگر اقتصادی-اجتماعی منتقل شده است. با وجود اینکه کاهش سهم دولت در فنلاند اتفاقی مشابه با آمریکا و آلمان است، اما میزان آن بسیار بیش از دو کشور دیگر می‌باشد (یک درصد از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹).

همچنین براساس نمودار ۶، مخارج دولت فنلاند در آموزش عالی به صورت درصدی از کل هزینه‌های دولت، در سال‌های مورد بررسی روندی نزولی داشته، این نکته جالب توجه است. با اینکه دولت فنلاند مسئولیت‌پذیری بالایی برای تأمین مالی آموزش عالی دارد، اما با این حال از سهم مخارج خود در این بخش کاسته است (از ۴/۱ درصد در ۲۰۰۲ به ۲/۸ درصد در ۲۰۱۹) و به عبارت دیگر،

۶. ژاپن



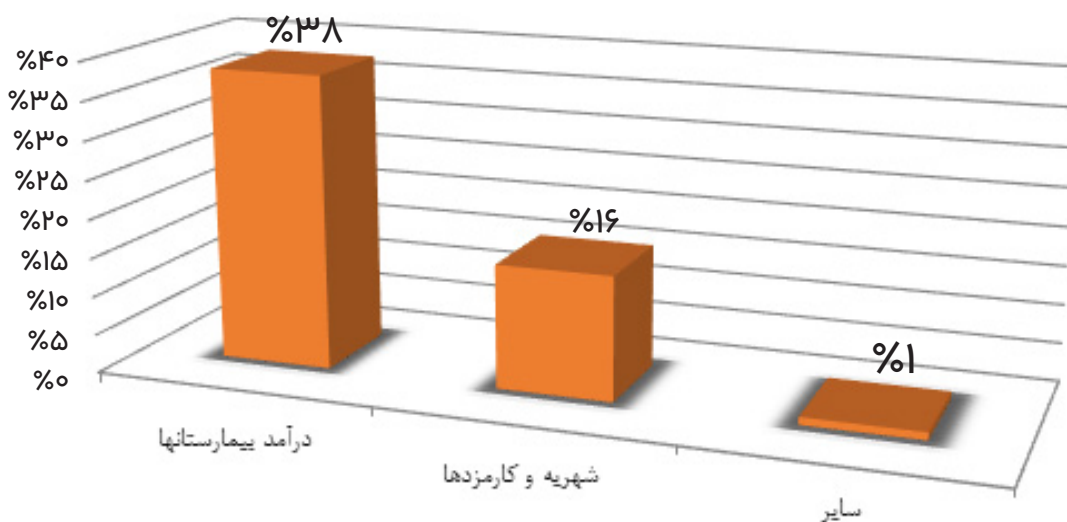
دانشگاه‌های ملی و دولتی منطقه‌ای می‌روند.

۶-۱. وضعیت مالی دانشگاه‌های ژاپن

نکته حائز اهمیت این است که دولت ژاپن منابع قابل توجهی را برای تعداد نسبتاً اندکی از دانشگاه‌های ملی در کلیه رشته‌ها از جمله علوم انسانی و اجتماعی پیش بینی کرده است. با توجه به این اقدامات و تاریخچه طولانی دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های برتر از لحاظ رتبه‌بندی در این رشته‌ها در تسلط دانشگاه‌های ملی قرار دارند. لذا به‌طور کلی، دولت ژاپن از دانشگاه‌های ملی حمایت مالی می‌کند تا آنها بهترین و تیزهوش‌ترین نیروی انسانی را برای توسعه جامعه ژاپن گسترش دهند و بر هر دو مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم طبیعی تأکید بیشتری دارد و همراه با آن آموزش تحصیلات تکمیلی را کمی وسعت داد. دانشگاه‌های خصوصی نقش مهم‌تری را در آموزش مقطع کارشناسی در ادبیات و علوم انسانی و علوم اجتماعی ایفا می‌کنند. زیرا هزینه آموزش در این رشته‌ها به‌ازای هر دانشجو اندک است [۲۱].

قدمت نظام آموزش عالی در ژاپن به بازگشت میجی^۱ برمی‌گردد و همراه با رشد اقتصاد ژاپن به سرعت توسعه پیدا کرد. باین حال، قبل از جنگ جهانی دوم، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای آموزش عالی به‌مثابه نهادهایی باقی ماندند که قصدشان آموزش مجموعه نسبتاً کوچک نخبگان و خواص بود. پس از جنگ جهانی دوم، نظام آموزش عالی به‌طور کامل اصلاح شد و از لحاظ کمیت و کیفیت به سرعت رشد کرد. امروزه دانشگاه‌های ژاپن با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند که دلیلش تعداد رو به نزول دانشجویان در سن دانشگاه، افزایش رقابت با دنیای جهانی شده و وخیم شدن وضع مالی دولت ژاپن است. در سال ۲۰۱۳، نزدیک به ۸۰۰ دانشگاه در ژاپن وجود داشتند و حدود ۸۰ درصد از دانشجویان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های خصوصی تحصیل می‌کنند، در حالی که کمتر از ۲۰ درصد آنها در دانشگاه‌های ملی درس می‌خوانند [۲۱]. به‌بیان دیگر، دانشگاه‌های خصوصی بخش عمده آموزش در سطح کارشناسی را در ژاپن فراهم می‌آورند. وضعیت در سطح تحصیلات تکمیلی به کلی متفاوت است، به طوری که دو سوم از دانشجویان تحصیلات تکمیلی به

نمودار ۷. درآمدهای دانشگاه‌های ملی ژاپن (درصد)، ۲۰۱۳



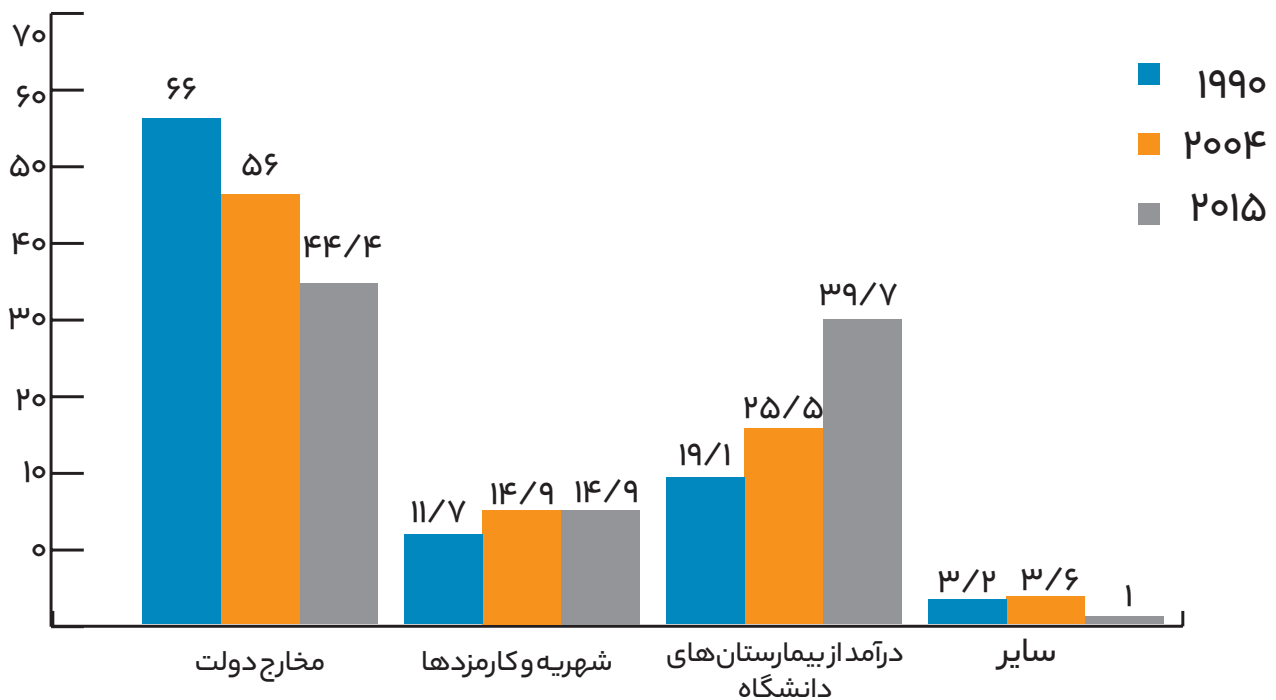
منبع: [۲۱]

۱. میجی (Meiji) امپراطور ژاپن بود که در سال ۱۸۶۸ مجدداً حکومت را به دست گرفت. در دوران پادشاهی او ژاپن دستخوش تحولات توسعه‌ای قابل توجهی به‌ویژه در حوزه آموزش شد.

برای اخذ شهریه از دانشجویان داده است (نمودار ۸)، اما شاهد این هستیم که کاهش سهم دولت در تأمین درآمد دانشگاه‌های ملی به افزایش شدید شهریه منجر نشده، به این صورت که در طی سه دهه سهم شهریه تنها در حدود ۳ درصد افزایش داشته است. آنچه بیش از همه جایگزین نقش دولت شده، افزایش درآمد دانشگاه‌ها از بیمارستان‌ها است. به عبارت دیگر، دولت دانشگاه‌ها را به سمت درآمدزایی پایدار سوق داده، به طوری که در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۴۰ درصد درآمد دانشگاه‌های ملی از طریق بیمارستان‌های وابسته عاید شده است، البته این بدان معنا نیست که همه دانشگاه‌های ملی دارای بیمارستان هستند، بلکه منظور این است که در مجموع دانشگاه‌های مذکور درآمد قابل توجهی را از بیمارستان‌های وابسته به خود کسب می‌کنند. با وجود این، دولت میزان بودجه رقابتی، شامل اعانه‌های پژوهشی و بودجه ویژه برای انواع پروژه‌ها و برنامه‌های مرتبط با فعالیت‌های آموزشی، را افزایش داده است [۲۲].

در حدود ۵۵ درصد درآمد دانشگاه‌های ملی از درآمدزایی خود دانشگاه‌ها و ۴۵ درصد باقیمانده از محل اعانه‌های مخارج مدیریتی^۱ دولت است [۲۱]. نمودار ۷، جزییات درآمدزایی دانشگاه‌های ملی را به تصویر می‌کشد. با وجود اینکه از دانشگاه‌های ملی خواسته می‌شود که از دولت مستقل‌تر شوند، تقریباً نیمی از درآمدشان را از یارانه‌های دولتی تأمین می‌کنند. همچنین قسمت بزرگی از هزینه‌های پژوهشی آنها توسط منابع مالی رقابتی از قبیل همکاری با بخش خصوصی، خیریه‌ها و فروش حقوق مالکیت فکری تأمین مالی می‌شود، اما بخش اصلی هزینه‌های پژوهشی همچنان از طریق کمک اعانه‌ای به پژوهش‌های علمی از سوی وزارت آموزش و یک نهاد اجرایی مستقل به نام انجمن ارتقای علم ژاپن پوشش داده می‌شود. به طور کلی، تقریباً تمام دانشگاه‌های ملی هنوز به یارانه‌ها و اعانه‌های دولت وابسته‌اند. اتفاقی که در سه دهه اخیر افتاده این است که دولت به طرز قابل توجهی از کمک‌های مالی خود به دانشگاه‌ها کاسته و در عین حال اختیار بیشتری به آنها

نمودار ۸. تغییرات درآمد سالانه دانشگاه‌های ملی ژاپن (درصد)



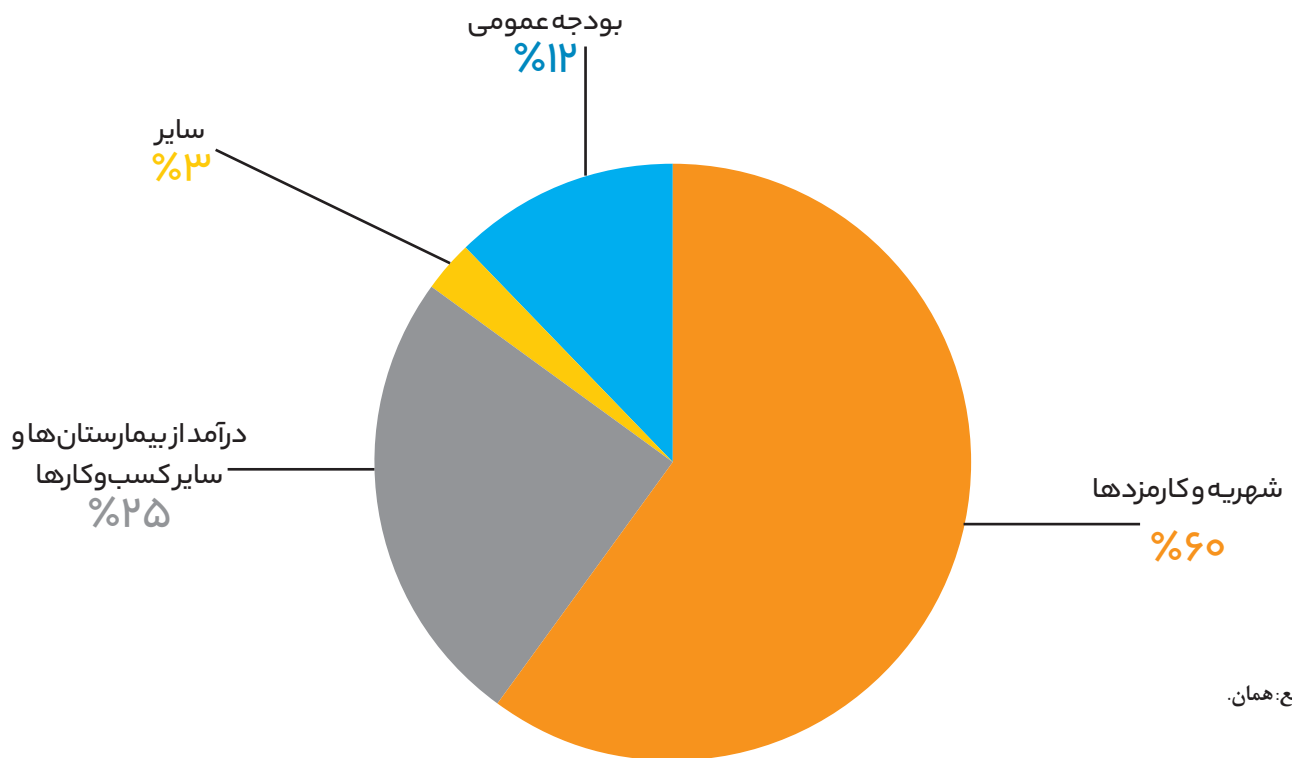
منبع: [۲۲]

1. Management Expenses Grants.

به مجرد امکان پذیری قرار داد، این نسبت باید به بیش از نیمی از هزینه‌های دانشگاه‌های خصوصی افزایش یابد. علاوه بر این، کاهش مداوم تعداد فارغ‌التحصیلان دبیرستان از ۱/۸۱ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ به ۱/۰۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۳ نگرانی‌های جدی را برای دانشگاه‌های خصوصی به ویژه دانشگاه‌های محلی به وجود آورده است. در سال ۲۰۱۳، ۴۵/۸ درصد دانشگاه‌های خصوصی قادر نبودند به اندازه کافی دانشجو ثبت نام کنند تا بتوانند ظرفیت خود را تکمیل کنند و دانشگاه‌ها با بدترین شرایط تعطیل می شدند. چالش‌های جمعیتی و مالی دانشگاه‌های ژاپن از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، به مرور زمان شکاف‌های اقتصادی و فناورانه بین کشورهای آسیایی تازه صنعتی شده و ژاپن تنگ تر شد و وضع مالی دولت ژاپن وخامت یافت [۲۱]. نمودار ۹ سهم منابع درآمدی دانشگاه‌های خصوصی ژاپن و اتکالی زیاد آنها به شهریه را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، دانشگاه‌های خصوصی وابستگی کمتری به یارانه‌ها و اعانه‌های دولت دارند و بیشتر آنها یارانه‌های دولت به نهادهای آموزشی خصوصی را با هدف ارتقا و بهبود کیفیت آموزش دانشگاهی دریافت می‌کنند. در سال مالی ۲۰۱۲، تعداد ۵۶۰ دانشگاه از کل ۶۰۶ دانشگاه خصوصی، ۳۱۸ از ۳۴۰ مدرسه عالی خصوصی دو ساله و سه مدرسه عالی فنی از این حمایت مالی برخوردار شدند و مقدار کل یارانه معادل با ۳۲۳/۸ میلیارد یورو بود. با وجود این، نرخ وابستگی این دانشگاه‌ها بسیار پایین تر از دانشگاه‌های ملی است. میانگین نسبت شمول یارانه بابت هزینه عملیاتی جاری دانشگاه‌های خصوصی فقط ۱۰/۵ درصد بود و میزان یارانه به ازای هر دانشجو در این دانشگاه‌ها به ۱۶۰ هزار یورو در سال مالی ۲۰۱۲ بالغ گشت. این نرخ از اوج ۲۹/۵ درصد در سال مالی ۱۹۸۰ به کاهش ادامه داد، اگرچه اصلاحیه قانون یارانه‌های مدارس خصوصی در ۱۹۷۵ شرطی را مبنی بر اینکه

نمودار ۹. منابع مالی دانشگاه‌های خصوصی ژاپن



منبع: همان.

دلار بوده است [۲]. به عبارت دیگر، با توجه به رژیم شهریه بالا-یارانه اندک نظام آموزش عالی ژاپن، بیشتر هزینه آموزش عالی از طرف خانوارها تأمین می‌شود، به طوری که خانوارها حدود ۵۰ درصد از کل هزینه‌های آموزش عالی را پوشش می‌دهند [۶].

بر اساس آمار، بیشترین هزینه‌های یک محصل مربوط به دوره آموزش عالی است که نشان از پر هزینه بودن این دوره در مقایسه با سطوح قبلی آموزشی است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، هزینه یک محصل در آموزش عالی (میانگین سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) معادل با ۲۰۹۴۴ دلار بوده، در حالی که هزینه دوره‌های ابتدایی و دبیرستان به ترتیب ۹۳۷۹ و ۱۱۴۹۳

[۶]. به علاوه، به دلیل اینکه حزب لیبرال-دموکرات کیفیت بالای آموزش عالی نخبگان را به دسترسی فراگیر و برابری فرصت‌ها ترجیح می‌دهد، یارانه‌های دولتی به دانشجویان به‌طور عمده وجود ندارد. وانگهی، یارانه‌های موجود به‌سوی گسترش دسترسی فرزندان خانواده‌های بی‌بضاعت و کمتر برخوردار هدف‌گذاری نشده است. در عوض، یارانه‌ها مبتنی بر شایستگی است و در بیشتر موارد به شکل وام به‌جای اعانه ارائه می‌شود [۶].

۳-۶. سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در مؤسسات آموزش عالی

باتوجه به استقرار رژیم شهریه بالا-یارانه اندک در ژاپن، دولت بیشترین نقش را به بخش خصوصی محول کرده است. براساس داده‌های جدول ۵، سهم هزینه‌های دولت در یک دوره ۲۰ ساله کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته، به طوری که اکنون سهم بخش خصوصی (عمدتاً خانوارها) در مخارج آموزش عالی تقریباً دو برابر دولت است. خانوارهای ژاپنی بیش از ۵۰ درصد مخارج آموزش عالی را تقبل می‌کنند. این ویژگی، نظام تأمین مالی آموزش عالی ژاپن را از سه کشور دیگر مورد بررسی بسیار متمایز می‌سازد.

۲-۶. فضای سیاسی حاکم بر مالیه آموزش عالی

از جنبه تاریخی، ژاپن درست شبیه به سایر دموکراسی‌های پیشرفته شروع کرد: آموزش عالی به‌صورت رایگان عرضه می‌شد، یارانه‌های عمومی وجود نداشت و ثبت‌نام به‌قشر بسیار کوچکی از خواص محدود می‌شد، اما این کشور نظام آموزش عالی خود را از الگوی شهریه پایین - یارانه اندک به رژیم امروزی «شهریه بالا - یارانه اندک» تغییر داد [۶]. توضیح اصلی این تحول، سیاسی است. حزب لیبرال-دموکرات،^۱ که به مدت بیش از پنج دهه دولت را در اختیار داشت، نظام آموزش عالی را مطابق با باورهای اعتقادی‌اش و منافع رأی‌دهندگان شکل داد. از جنبه اعتقادی، حزب لیبرال-دموکرات یک حزب محافظه‌کار است، هم در حوزه اقتصاد و هم در حوزه فرهنگ [۲۳]. این حزب طرفدار دولت کوچک، مالیات‌های پایین و مخارج عمومی اندک است [۲۴].

بر این اساس، حزب لیبرال-دموکرات دو هدف را در سیاست‌های آموزش عالی تعقیب می‌کرد: هزینه‌های دولت باید در سطح حداقل حفظ شود و کیفیت بالای آموزش عالی برای بخش کوچک نخبه محفوظ بماند. تحولات بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که این حزب در دستیابی به این اهداف بسیار موفق بوده است

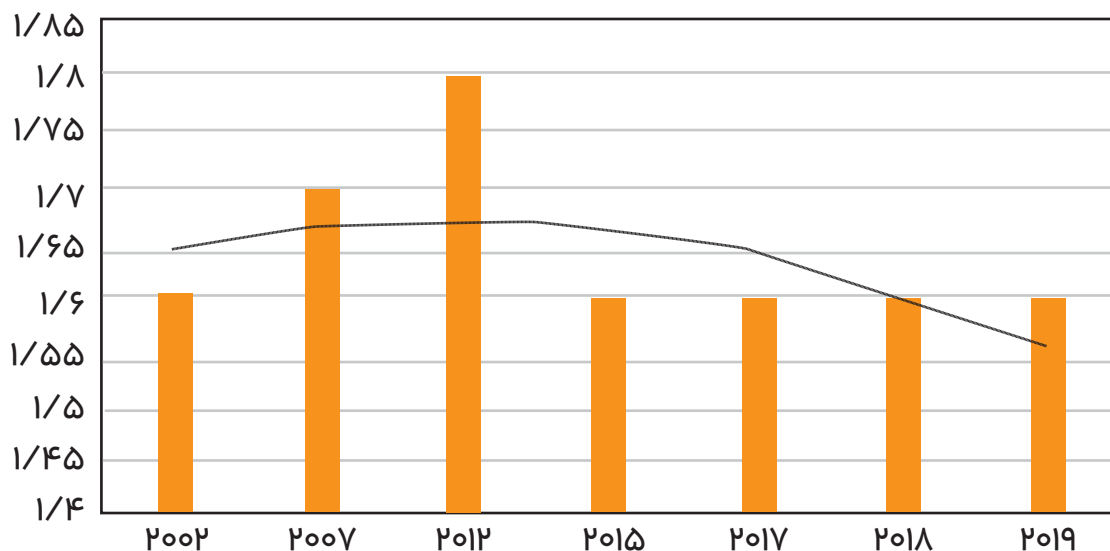
جدول ۵. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی ژاپن با توجه به منبع تأمین مالی

سال	دولتی	خصوصی		
		خانوار	سایر نهادهای خصوصی	کل مخارج خصوصی
۲۰۰۲	۴۱/۵	۵۸/۵	۰	۵۸/۵
۲۰۰۷	۳۲/۵	۵۱/۱	۱۶/۴	۶۷/۵
۲۰۱۲	۳۴/۳	۵۱/۶	۱۴/۱	۶۵/۷
۲۰۱۵	۳۲	۵۲	۱۶	۶۸
۲۰۱۶	۳۱	۵۲	۱۷	۶۹
۲۰۱۷	۳۱	۵۳	۱۶	۶۹
۲۰۱۸	۳۲	۵۳	۱۵	۶۸
۲۰۱۹	۳۳	۵۲	۱۵	۶۷

منبع: [۲]، [۴]، [۱۱]، [۱۶]

1. Liberal Democratic Party.

نمودار ۱۰. سهم مخارج آموزش عالی دولت ژاپن از کل مخارج دولت (درصد)



منبع: همان.

۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ بوده است. یعنی بلافاصله پس از رکود ۲۰۰۷، دولت به دلیل تنگنای ایجاد شده در درآمدهای خود، به طور مقایسه‌ای سعی کرده است که بیشتر مخارج سایر بخش‌های خود را کاهش دهد و مخارج آموزش عالی را به طور نسبی حفظ کند. این رخداد گویای اولویت آموزش عالی برای دولت در شرایط سخت اقتصادی است. با گذر زمان، با خروج از رکود و بهبود شرایط اقتصادی دوباره سهم آموزش عالی به وضعیت سال‌های قبل خود در نرخ ۱/۶ رسید.

موضوع دیگر حائز اهمیت، سهم مخارج دولت در آموزش عالی از کل مخارج دولت است. نمودار ۱۰ نشان می‌دهد که اولاً، در ژاپن نیز مشابه با سه کشور دیگر، در طول زمان از سهم مخارج دولت از کل هزینه‌های دولت کاسته شده است. بر این اساس، این یک‌روند کاهش‌ی مشترک در جهان صنعتی بوده که بیانگر دشواری تحمل هزینه‌های آموزش عالی برای دولت‌ها است. ثانیاً، سهم آموزش عالی از کل مخارج دولت بسیار اندک است و این موضوع ناشی از سیاست حزب لیبرال دموکرات می‌باشد که در بیشتر دهه‌های گذشته بر سیاست ژاپن مسلط بوده است. بیشترین سهم مربوط به سال

۷. جمع‌بندی

برای آموزش عالی در ایالات متحده آمریکا و ژاپن (به‌طور میانگین) منجر شده است. دوم، سطح یارانه، بالاتر بودن ثبت‌نام در آمریکا و فنلاند را به ترتیب در مقایسه با ژاپن و آلمان توضیح می‌دهد. در آمریکا، پرداخت یارانه بیشتر به آموزش عالی توسط دولت موجب تقاضای بیشتر برای ورود به دانشگاه در مقایسه با ژاپن شده است و همین موضوع در مورد فنلاند در مقایسه با آلمان صدق می‌کند. واضح است که قانون تقاضا و وضعیت ثبت‌نام در آموزش عالی این زیر نمونه را تبیین می‌کند.

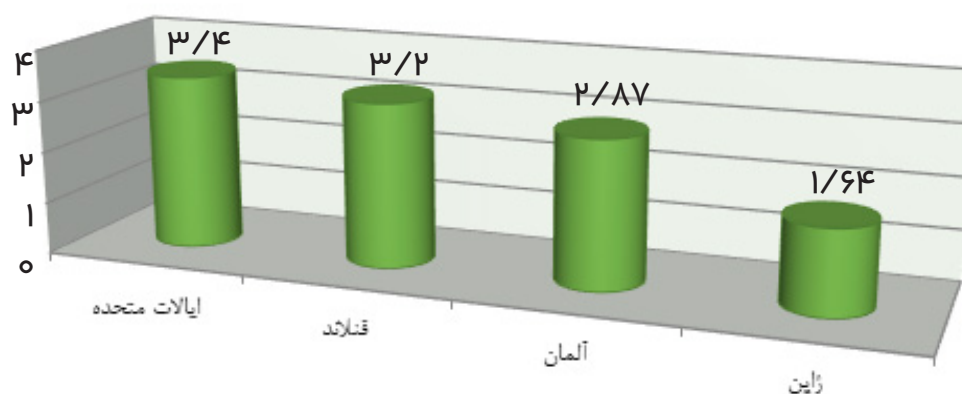
بررسی سازوکارهای تأمین مالی در آموزش عالی کشورها براساس چهار نوع رژیم شهریه-یارانه واقعیات مختلفی را آشکار می‌سازد. براساس اطلاعات جدول ۶، دو نکته مهم قابل ذکر است. نخست، میانگین نرخ ثبت‌نام در دو کشور آمریکا و ژاپن (حدود ۷۶ درصد) به میزان قابل توجهی از میانگین دو کشور آلمان و فنلاند (حدود ۸۴ درصد) کوچک‌تر است. این ویژگی به خوبی با نوع رژیم شهریه-یارانه قابل توضیح است. از آنجاکه شهریه در بازار آموزش عالی به‌مثابه قیمت تلقی می‌شود، بالاتر بودن شهریه به کاهش تقاضا

جدول ۶. نوع رژیم تأمین مالی و نرخ ثبت نام در آموزش عالی در زیر نمونه کشورهای توسعه یافته

رژیم	نمونه	نرخ ثبت نام در آموزش عالی (درصد)، (۲۰۲۰)
شهریه بالا - یارانه زیاد	ایالات متحده آمریکا	۸۷/۵
شهریه پایین - یارانه اندک	آلمان	۷۲/۹
شهریه پایین - یارانه زیاد	فنلاند	۹۵
شهریه بالا - یارانه اندک	ژاپن	۶۴/۶*

منبع: [۱]. * مربوط به سال ۲۰۱۹ است.

نمودار ۱۱. مقایسه میانگین سهم آموزش عالی از کل مخارج دولت در دوره ۱۹-۲۰۱۲



منبع: برگرفته از نمودارهای ۲، ۵، ۶ و ۱۰.

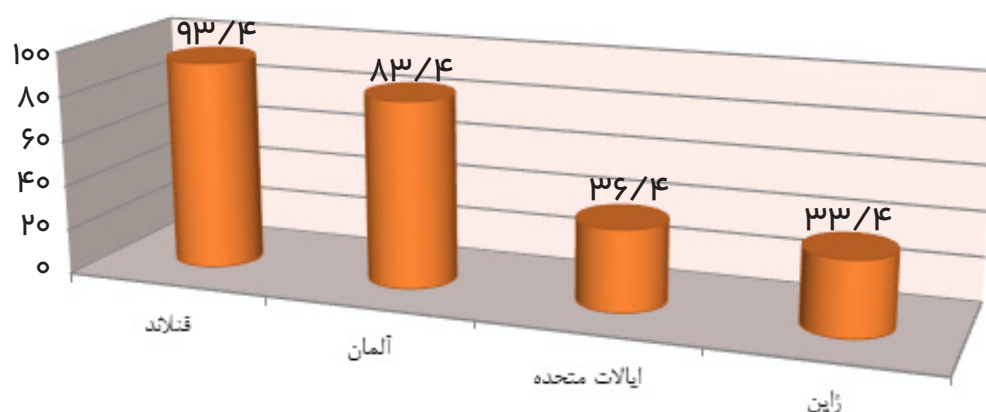
ویژگی «یارانه زیاد» شناخته می‌شود، رویه اعطای یارانه قابل توجه به آموزش عالی را دنبال کرده‌اند. از این رو، در این دو کشور بیش از ۳ درصد مخارج دولت به آموزش عالی اختصاص می‌یابد. با این حال، منطق پشت این موضوع در ایالات متحده و فنلاند یکسان نیست. دولت ایالات متحده یارانه زیادی را پرداخت می‌کند. زیرا ماهیت آموزش عالی در این کشور خصوصی است و دانشجویان مجبورند شهریه‌های بالایی را پرداخت کنند. به عبارت دیگر، آمریکا از منطق بازار در تأمین مالی آموزش عالی پیروی می‌کند، اما در فنلاند این گونه نیست. در این کشور آموزش عالی عمدتاً به صورت دولتی تعریف شده است و دولت بار عمده تأمین مخارج را بر دوش می‌کشد. برعکس، در آلمان و ژاپن که در ویژگی «یارانه اندک»

بررسی سازوکارها و سیاست‌های دولت در تأمین مالی آموزش عالی در چهار کشور توسعه یافته بیانگر رویه‌ها و روندهای مشابه و بعضاً متفاوت است. این وجوه تشابه و افتراق ریشه در نگرش‌های سیاسی حاکم بر حکومت‌ها، فرهنگ عامه، شرایط اقتصادی و غیره دارد. برای مثال، در کشورهایی با نظام سیاسی فدرالی شاهد نقش پررنگ‌تر دولت‌های ایالتی هستیم و دولت مرکزی در این زمینه حضور کمتری در مقایسه با نظام‌هایی از نوع دیگر دارد. همچنین، در کشورهایی که دولت یارانه زیادی به آموزش عالی تخصیص می‌دهد، بخش بزرگ‌تری از مخارج دولت صرف حمایت مالی از دانشجویان و دانشگاه‌ها می‌شود (نمودار ۱۱). دولت ایالات متحده و فنلاند که نظام مالییه آموزش عالی هر دو با

نمی‌کند. در مقابل، دولت ژاپن که بیشتر از اردوگاه راست‌گرا بوده و حاکمیت سیاسی را در بیشتر سال‌ها در اختیار داشته است، اعتقاد به دولت کوچک و مشارکت خانوارها در تأمین مالی آموزش عالی وجه غالب دارد که نتیجه آن اندک بودن سهم آموزش عالی از کل مخارج دولت است.

مشترک هستند، دولت بخش کوچک‌تری از هزینه‌های خود را به آموزش عالی اختصاص می‌دهد. در این مورد نیز منطق رفتار دولت‌ها یکسان نیست. در آلمان پایبندی به الگوی سنتی و اولیه تأمین مالی (شهریه پایین-یارانه اندک) وجود دارد و از این رو، به دلیل سطح پایین شهریه‌ها دولت اقدام به پرداخت یارانه زیاد

نمودار ۱۲. مقایسه میانگین سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی در دوره ۱۹-۲۰۰۲



منبع: برگرفته از جدول‌های ۱، ۲، ۳ و ۵.

دانشگاه‌های ملی بازتعریف شده و به‌عنوان شرکت‌های دانشگاهی معرفی شده‌اند تا از این طریق روح تجاری در آنها دمیده شود. این موضوع بیانگر استفاده از ابزار غیرمالی در حمایت از تأمین مالی آموزش عالی است، در حالی که اقدامات دولت در فنلاند و آلمان بیشتر کمک پولی به دانشجویان و دانشگاه‌ها را شامل می‌شود. کشورهای مورد مطالعه را از جنبه دیگری نیز می‌توان مقایسه کرد و آن وام دانشجویی است. هر چهار کشور دارای یک نظام وام‌دهی هستند و انواعی از وام را با ویژگی‌های بعضاً متفاوت به دانشجویان اعطا می‌کنند. نکته قابل توجه این است که در این چند کشور، حرکتی به سمت پررنگ‌تر شدن وام دانشجویی انجام شده است تا جایگزین یارانه مستقیم شود، هر چند درجه این اقدام در همه کشورهای یکسان نیست. جدول ۷ اطلاعاتی را درباره وام دانشجویی خلاصه می‌کند.

سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی نیز حاوی نکات قابل توجهی است. مشاهده کردیم که براساس سطح یارانه، چهار کشور صنعتی به دو گروه تقسیم شدند، اما براساس میزان مشارکت دولت در تأمین مالی شاهد تفکیک آنها برحسب میزان شهریه هستیم. نمودار ۱۲ نشان می‌دهد که فنلاند و آلمان که از ویژگی مشترک شهریه اندک برخوردارند، بالاترین سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی را دارند، اما در ایالات متحده و ژاپن این گونه نیست. به عبارت دیگر، در کشورهایی که مشارکت بخش خصوصی قوی‌تر است، دولت‌ها مسئولیت کمتری در تأمین مالی آموزش عالی برعهده می‌گیرند، البته حضور چشمگیرتر بخش خصوصی در این عرصه خود نتیجه سیاست‌های تسهیل‌کننده دولت‌ها برای این منظور است. برای نمونه، دولت در ایالات متحده فضای رقابتی را برای جذب منابع مالی توسط دانشگاه‌ها فراهم آورده است و در ژاپن

جدول ۷. وام‌های دولتی یا خصوصی تضمین شده توسط دولت برای دانشجویان (۲۰۱۹-۲۰۲۰)

کشور	سهم دانشجویان منتفع از وام (درصد)	شرایط استفاده از وام	نوع نظام بازپرداخت	نرخ بهره پس از دانش‌آموختگی
ایالات متحده	۵۲	شهریه و مخارج زندگی	انتخاب بین شیوه بازپرداخت ثابت و مشروط به درآمد	۲/۷۵ تا ۵/۳ درصد
آلمان	۲۲	شهریه	مشروط به درآمد	صفر
فنلاند	۵۵	فقط مخارج زندگی	بازپرداخت ثابت	طبق توافق با بانک‌های خصوصی
ژاپن	—	شهریه و مخارج زندگی	انتخاب بین شیوه بازپرداخت ثابت و مشروط به درآمد	وام طبقه ۱ (بدون بهره): صفر، وام طبقه ۲ (مشمول بهره): حداکثر ۳ درصد، پرداخت مابقی توسط دولت

منبع: [۲].

مورد مطالعه دلالت بر روندهای زیر دارد که می‌تواند حاوی نکات آموزنده‌ای برای سیاستگذاری آموزش عالی در ایران باشد:

- سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی کاهش یافته است. این روند به دلیل بروز تنگناهای مالی برای دولت‌ها و افزایش تقاضا برای سایر امور اجتماعی و رفاهی شکل گرفته است. بنابراین، دولت‌ها به ناگزیر کاهش سهم خود از آموزش عالی را در دستور کار قرار داده‌اند.

- به موازات کاهش سهم دولت، مشارکت بخش خصوصی و منابع خارجی افزایش یافته است. رشد اقتصاد دانش‌بنیان در جهان منجر به این شده است که ظرفیت درآمدزایی دانشگاه‌ها افزایش یابد. از این رو، منابع خصوصی به مثابه جایگزینی برای منابع دولتی ظاهر شده است.

- تنها در کشورهایی که دارای رژیم شهریه بالا هستند، سهم خانوارها در تأمین مالی آموزش عالی افزایش یافته است. روشن است که هرچه در جامعه تفکر مشارکت خانوارها در مخارج آموزش عالی قوی‌تر باشد، امکان تأمین مالی از طریق اخذ شهریه مهیا‌تر خواهد بود. در صورتی که رژیم شهریه پایین نهادینه شده باشد، نمی‌توان به مسئولیت‌پذیری خانوارها در قبال تأمین مالی آموزش عالی امید داشت.

- دولت‌ها از سهم آموزش عالی در کل مخارج خود کاسته‌اند و به بخش‌های دیگر به ویژه آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه) توجه کرده‌اند. از آنجا که دانشگاه‌ها (برخلاف مدارس) محصولات

دانشجویان معمولاً از شرایط ویژه وام‌های دولتی یا وام‌های خصوصی تضمین شده توسط دولت بهره می‌برند، برای مثال در ارتباط با نرخ‌های بهره، نظام بازپرداخت یا سازوکارهای بخشودگی. دولت‌ها اغلب این شرایط ویژه را به منظور کاهش هزینه وام برای دانشجویان و در مورد وام‌های مشروط به درآمد، برای محافظت از آنها در برابر نااطمینانی بازار کار پس از فارغ‌التحصیل معرفی می‌کنند. با انجام این کار، دولت‌ها بخش قابل توجهی از هزینه‌ها را خودشان برعهده می‌گیرند و ریسک وام‌دهی به دانشجویان را متحمل می‌شوند.

از آنجایی که ساختار نرخ‌های بهره ارائه شده به دانشجویان، هم برای وام‌های دولتی و هم وام‌های خصوصی، تا حدی در کشورهای مختلف متفاوت است، مقایسه نرخ‌های بهره وام‌های دولتی در بین کشورها باید با احتیاط انجام شود. دولت‌ها از راهبردهای مختلفی برای کاهش بار مالی دانشجویان استفاده می‌کنند، از جمله کاهش نرخ بهره قبل و / یا پس از پایان تحصیل. برخی کشورها هیچ بهره‌ای برای وام دریافت نمی‌کنند، در حالی که برخی دیگر نرخ بهره را به شاخص‌هایی مرتبط می‌کنند که کمتر از نرخ‌های بازار هستند، مانند هزینه استقراض دولت یا شاخص تورم. در بیشتر کشورها، فارغ‌التحصیلان ممکن است متحمل هزینه بهره شوند که مربوط به هزینه استقراض دولت یا حتی بالاتر است، اگرچه نرخ‌های بهره معمولاً هنوز نسبتاً پایین هستند.

در مجموع، بررسی نظام تأمین مالی آموزش عالی در چهار کشور

موضع گیری در برابر اعطای یارانه به بخش آموزش عالی جدی تر شود و در عوض از کمک به این بخش به صورت وام حمایت بیشتری شود. این تغییر خط مشی موجب صرفه جویی بیشتر در منابع عمومی می شود.

● یک سیاست تحول بخش، باز تعریف دانشگاه ها به مثابه شرکت های دانشگاهی بوده است که ارتقای توانمندی در خودگردانی مالی و درآمدی از پیامدهای آن بوده است. بازاری سازی آموزش عالی، دانشگاه ها را در جایگاه بنگاه های اقتصادی قرار داده است که می توانند با منطق اقتصادی به کسب و کار بپردازند و از این طریق درآمد پایداری برای خود ایجاد کنند و از نیاز به بودجه دولت بکاهند.

مورد نیاز جامعه و صنعت را تولید می کنند، لذا دولت ها دریافته اند که می توانند بخشی از بار تأمین مالی آموزش عالی را به بخش خصوصی واگذارند و منابع بودجه را به سمت سایر بخش های اقتصادی-اجتماعی، به ویژه آموزش عمومی، روانه کنند.

● رویکرد بازاری سازی آموزش عالی تقویت شده است. هر چه نقش دانشگاه ها در تأمین نیازهای جامعه و صنعت پررنگ تر شود، بهتر می توان آموزش عالی را براساس منطق بازار اداره کرد. در این صورت، کارکرد دانشگاه قابل ترجمه به بنگاه اقتصادی است.

● دولت ها در کمک مالی به آموزش عالی، به استفاده از ابزار وام به جای کمک بلاعوض گرایش پیدا کرده اند. بازدهی قابل ملاحظه آموزش عالی برای دانش آموختگان منجر به این شده است که

منابع و مآخذ

- [1] World Bank (2023). WDI Indicators, www.worldbank.org.
- [2] OECD (2022). Education at a Glance 2022: OECD Indicators, Paris: OECD Publishing, <https://doi.org/10.1787/3197152b-en>.
- [3] صباغیان، زهرا و ذاکریان، عذرا (۱۳۸۰). آموزش عالی در آمریکا، مطالعات منطقه ای اسرائیل شناسی-آمریکاشناسی، جلد هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [4] OECD (2013). Education at a Glance 2013, Paris: OECD Publishing.
- [5] TICAS (The Institute for College Access and Success). (2013). Student debt and the class of 2012. www.ticas.org
- [6] گاریترمن، جولیان (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی مالیه آموزش عالی، ترجمه وحید مهربانی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- [7] National Science Foundation (NSF) (2023). FY 2022 Performance and Financial Highlights, www.nsf.gov.
- [8] شولتز، لورا (۱۴۰۰). همکاری دانشگاه، صنعت و دولت برای رشد اقتصادی، در: جیسون لین و بروس جانسون (ویراستاران)، دانشگاه، پیشران توسعه اقتصادی، ترجمه وحید مهربانی، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- [9] لین، جیسون (۱۴۰۰). آموزش عالی و رقابت پذیری اقتصادی، در: جیسون لین و بروس جانسون (ویراستاران)، دانشگاه، پیشران توسعه اقتصادی، ترجمه وحید مهربانی، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- [10] Wessner, C. W. (2011). Growing innovation for American prosperity: Summary of a symposium. Washington, DC: The National Academies Press.
- [11] OECD (2020). Education at a Glance 2020: OECD Indicators, Paris: OECD Publishing, <https://dx.doi.org/10.1787/69096873-en>
- [12] ابراهیمیان، مهران (۱۴۰۲). تأمین مالی تحصیلات عالی با رویکرد عدالت اجتماعی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [13] German Federal Statistical Office, <https://www.destatis.de>.
- [14] مهدی، مهدی؛ حسینی داورانی، سید مهدی و فیروز آبادی، مرتضی (۱۳۹۷). سازوکارهای تأمین مالی دانشگاه ها، بررسی موردی دانشگاه های کشور آلمان، نشریه تحلیل مالی، ۲(۱): ۱۰-۲.
- [15] Teichler, U. (2016). Recent changes of financing higher education in Germany and their intended and unintended consequences, International Journal of Educational Development: 1-10.
- [16] OECD (2014). Education at a Glance 2014, Paris: OECD Publishing.
- [17] European Commission (2013). Funding of Education in Europe 2000-2012: The Impact of the

Economic Crisis. Eurydice Report. Luxembourg.

[18] Vipunen (2021). Education Statistics Finland, <https://vipunen.fi/en-gb> (accessed on 2 September 2021).

[19] OECD (2020), OECD Economic Surveys - Finland, <https://doi.org/10.1787/673aeb7f-en>.

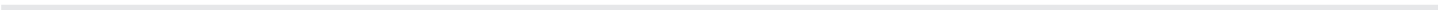
[20] Ministry of Education and Culture (2021). Steering, financing and agreements of higher education institutions, *science agencies and research institutes - Universities and Universities of applied sciences core funding model*, https://minedu.fi/documents/1410845/4392480/UNI_core_funding_2021.pdf/a9a65de5-bd76-e4ff-ea94-9b318af2f1bc/UNI_core_funding_2021.pdf

[۲۱] بر ادا، جوزف؛ بینکوفسکی، وجسیک و کوبونیوا، ماساکی (۱۳۹۹). چشم‌اندازهای بین‌المللی در تأمین مالی آموزش عالی. ترجمه وحید مهربانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

[22] Huang, F. (2017). Higher education financing in Japan: Trends and challenges, *International Journal of Educational Development*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijedudev.2016.12.010>.

[23] Pempel, T. J. (1982). *Policy and politics in Japan: Creative conservatism*, Philadelphia: Temple University Press.

[24] Krauss, E. S., & Pekkanen, R. J. (2011). *The rise and fall of Japan's LDP: Political party organizations as historical institutions*, Ithaca/London: Cornell University Press.





گزیده سیاستی

در راستای افزایش سرانه‌های ورزشی لازم است تا اولویت تخصیص بودجه به تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام قرار گیرد، سند آمایش ورزشی توسط وزارت ورزش و جوانان تدوین و اجرایی شود و وزارت کشور تمامی شهرداری‌های کشور را مکلف به طراحی و استقرار طرح تفصیلی توسعه فضاهای ورزشی شهری نماید.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روپروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir